

BP
١٠٢
ن ١٠٣
خس

بسم الله الرحمن الرحيم
 الحمد لله رب العالمين
 والصلاة والسلام على سيدنا محمد
 وآله الطيبين الطاهرين
 أجمعين

کتابخانه آیت الله العظمی بروجردی

شماره قفسه شماره کتاب شماره جلد شماره برگه

تاریخ ثبت
 شماره ثبت

این کتاب در تاریخ
 به شماره

هو المهدى

اهديت هذه النسخة الى ميرزا خلدون الكفيعه غرا الشيعه وعلما شيعه
المنزه من قسوس الحاج ميرزا عبد الحسين صاحب الكلاري همدان
وانا اللاحق الاقرانك بنسخه من بحال النجفي الجليلي سنة ١٢٩٦

قال الله تعالى

(قد يتنا لكم الايات ان كنتم تعقلون)

هو

رسالة شريفة

(بيان الايات) در علم (زبر ویتات)

لر تصنیفات عارف معارف دینی وواقف مواظف یقینی

(عماد الاسلام)

والمسلمین مروج الاحکام والدين العالم الكامل الصدائي

جناب الحاج شيخ يوسف النجفي الجليلي

لازال كواكب افاضاته مضیئة

وانوار فيوضاته منيرة

کتابخانه آیت الله العظمی بروجردی

شماره ثبت: ۳۴۱-۸۰۲

(سورة المؤمن)

(ولقد جائكم يوسف من قبل بالآيات فما زلتم في شك مما جائكم به)

بسم الله الرحمن الرحيم

سیاس و ستایش بر رب الارباب و منزل سد صحیفه و چهار کتاب و افضل
بتفضیل و لاف فضلنا و مکرم و شکرم و لاف کرماتیکه انسانرا بشرف
جستجویی لای متلای آیات محکمت و عقاسی در بحار درر و غرر
احکام زیر وینات بر سایر مخلوقات مرئی داده و بسبب سوابق عنایات
از لاف و مراحم فیوضات ابدیه بر لطائف جلیه و رموز خفیه از جزئیات
و کلیات و اهل و باقی درجات السادات و اصل فرموده
(ای بر تو وجود تو ذرات کائنات هر ذره بر وجود تو آیات و بینات)
و صلوات و سلام تا مات یار کات بر اکمل و افضل موجودات بعد ملاوظی
و مکتوبی همه حروف و کلمات و بر آل و اصحاب او بتطابق بینات زیر
وزیر به بینات و لعائن کائنات بر اعداء آن سادات الی یوم العرصات
(و بعد) عرضه دارد عبد عارفان صارف به حق و نده سالکان سالک
ربانیه الاحقر الجانی و الاقر الفانی (یوسف) ابن محمد بن یوسف
النبطی الجیلانی که نظر بفرمایش (کل سر جاووز الاثنین شاع)
نشانده رموز اسرار از دولب کهریار بیدار نمود ولی بنفاد (کل
علم لیس فی القراطس شاع) غاید و باید که در صنفه روزگار صنفه
از اسرار بیان و افکار نمود اگر چه بعضی از علوم تدوینی نیست بلکه
نوریست که نمی باید آرا مکر هر که را که حق خواهد چنانچه فرماید
(العلم نور یقذه الله فی قلب من یشاء) چنانچه بعضی از علوم کسبی است

که باید بقتضای آیه شریفه (والذین جاهدوا فینا لنهدینهم سبیلنا)
که در سوره عنکبوت است بمجاهدات حقایق و ریاضات شرعیه از برای
اهلش حاصل شود و من العلوم که انحاء علوم در قرآن مجید و قرآن
حمید مندرج بلکه در هر حرف آن متدبج است کما فی الحدیث
(لكل حرف من حروف القرآن حذو لكل حد مطمع) و در مجموع است
که (ما من حرف من حروف القرآن الا وله سبعون الف معنی)
بدیسی است که اسرار اطوار کلمات الهیه و علوم مطلقه مقبیه فرائقه
بصورت نقطه واحد و الف متعدد در عالم الباطن جاری و جاری و در
میان عالم بین و ظاهر و باهر است که چندین هزار رشته دارد و هر عالمی
یک صنفه و یک رنگ و یک طریقی او را دیده و فهمیده و میداند و عبارات
مختلفه و الیه غیر مؤلفه و بر موز و اسرار و زیر وینات و تصریحات
و تلویحات و اشارات و کنایات و استعارات و تشبیهات بیان اهارا نموده اند
ولی هر کسی حامل انوار اسرار نیست و هر کسی تحمل بار گرانمای
رموز و دقیق و تبیان حقایق کلمات بدر مشحون را ندارد و محسوس است
که کلام الله صامت جمیع علوم بحقایق اشیاء محسوسها و مغلوبها جایها
و خفیهها صغیرها و کبیرها را داراست و اشاره فرائقه و کنایه فرائقه
(ولا رطب ولا یابس الا فی کتاب مبین) مدعی را ناطق است
بمن علم شریف زیر وینات در جمله ال آیات بر سبیل اشاره دارد
و این اهل الاسام المطلب بسماء الاسلام از برای علماء خواص علی
سبیل الاختصاص اشاره میدارد چنانچه باب مدینه العلم در جواب آن
فرعیه مردود که قدح در قرآن و طعن در قرآن مینمود چنین فرمود
(ان الله جل ذکروه بعه رحمته و رافقه بخلفه قم کلامه ثلاثه

اقدام فیصل قسما منه يعرفه العالم والجاهل ولما لا يعرفه الامن
صفا ذنعه واطف حبه وضح تميزه من صرح الله صدره للإسلام
ولما لا يعرفه الا الله وامانه الراسخون في العلم للا بدعي اهل الباطل
من علم الكتاب مالم يصل الله لهم (وامام بحق فاطم جعفر بن
محمد الصادق عليه وعلى آباءه وابائه السلام نیز فرماید که (لقران)
له اربع مراتب (یا انکه) کتاب الله علی اربعة اشیاء العبارة
والاشارة والاطائف والحقایق فالعبارة الظاهرة للعوام والاشارة للخاص
من العلماء والاطائف للاولیاء والحقایق للانبیاء) که شاید مزید در تفکر
وتاکید در تبصر گردد پس بیان مبین وقانون متین متضمن نواید زاهره
ومعجم باقلام عیدیه متکثره ومراتب شتای متظافره ومطالب پسندیده
وافرامات ومردم عالم علی اختلافهم فی الزائم والنیات وتبیانهم فی الجواهر
والهویات از کتاب کریم و ذکر حکیم بهره ها بر میدارد وسودها
می اندوزند عارفین بالله از مشاهدات صور اصلیه وحقایق اولیه آن
مستفیع میشوند متفقهین فی الدین از اتمه آیات احکام اقتباس عرصة
اسلام میفرمایند ومؤمنین بالغیب از تلاوت آن آباء اللیل واطراف النهار
پس خوردار میشوند کل علی حسب ما یتوبه ویشتهیه از این مانده
الیه روزی خود میخورند و از این فیض نامتناهی قسمت خود میبرند
وهكذا راسخین فی العلم از مکاشفات نشاء تدبیر وتاویض مبتهج گشته
کشف پس رموز و بیان مرموز می نمایند نادان را گمان آنستکه نکات
بدالوقوع است ویر دانایان مخفی نیست که بر اهل کشف قبل از
استکشاف مکتوف و بر جاهلین مخفی و مکتوف بوده چنانچه بر
کوردلان پوشیده و مستور بوده و خواهد بود قوله تعالی در سورة بقره

(و آتینا عیسی بن مریم البینات وایدناه بروح القدس ولو
شاء الله ما اقتتل الذین من بعدهم من بعد ما جائتهم البینات
ولمکن اختلفوا فمنهم من آمن ومنهم من کفر ولو شاء الله
ما اقتتلوا ولكن الله یفعل ما یرید) پس از توفیق ذوالعن والعطاء
در اظهار اسرار وکشف این عطیاء خصم را انکار محال ومکنم را
کتمان عدم محال است (بقره) (ان الذین یسکتون ما انزلنا
من البینات والبدی من بعد ما بیناه للناس فی الکتاب
اولک ینقضهم الله ویلعنهم اللاعنون) وهرگاه شبهه وعیب یا حک
ورعی بر کم بهره کان علوم رود رجوع سالکان طرق معلوم وساحبان
مصرفه وکاملان در علوم نمایند (فعل) (وما ارسلنا من
قبلک الا رجلا نوحی الیه فقلوا اهل الذکر ان کتم
لا تعلمون بالبینات والزریر وانزلنا الیک الذکر لیین للناس
ما نزل الیهم ولعلهم یتفکرون) اگر چه صرفه قرآن بلند تر
از آنستکه تصریح مطالب آن بمیزان وهم وقیاس توان ستجید وتشریح
معانی آن بر تر از آنستکه در معیار بیان توان گنجید ولی باعده
(ما لا یدرک کله لا یرک کله) چون دانا از ابصار ومشتی تنوع از خروار
بحر تحریر در آورده و معنی نمودن آنرا (بیان الايات) در شناختن
ذکر و بینات و مأمول چنانستکه در نظر دانشوران موفی عظیم وعظمی
کریم بهرساند در نظر ارباب عرض الذین فی قلوبهم مرض

(سجدی)

(منه كوش در قول صاحب غرض ^{له} که از کینه در سینه دارد مرض)
و از عارلمان حارف دینیه و وافتان موافق یقینیه رجا دارم ^{که} اگر
حلی باذلی بظهور آید بظلم اصلاح اعمام فرمایند و هو العاصم فی الخطاء
و انزل فی القول والمثل

(من خجل من عمل خام خویش تو بسلامت نکم سینه ریش)
(در روش زمره آزاده گان نیست روا طعن بر افتاده گان)
و آن مشتمل است بر مانده و چهارده مقام و خانه مانده در او سه مقصداست
(مقصد اول)

در تفسیر ولله و موضوع و تعریف و فائده زیر و یقینات است (۱) قوله تعالى
فی سورة البقرة (و آتینا عیسی بن مریم البینات) (الخ) (البینات)
المعجزات الواضحات کاحیاء الموتی و ابراء الاکمه و الاخبار بالمحیيات
(۲) قوله تعالى فی سورة البقرة (ولقد جائکم موسی بالبینات)
ای المعجزات کالمناء و الید و خلق البحر (۳) قوله تعالى فی البقرة
(ولقد انزلنا الیک آیات یقینات و ما یکمر بها الا الفاسقون)
(یقینات) ای معجزات طامرات و اضمحلت (۴) البقرة قوله تعالى
(فان زلتم من بعد ما جائکم البینات فاعلموا ان الله عزیز حکیم)
(البینات) ای الحجج و المعجزات (۵) قوله تعالى در سورة آل عمران
(فان کذبوک فقد کذب رسل من قبلك جاؤا بالبینات
و الزیر و الکتاب المنیر) (۶) قوله تعالى در سورة فاطر
وان یکذبوک فقد کذب الذین من قبلهم جائتهم رسالهم بالبینات

و بالزیر و بالکتاب المنیر) (یقینات) ای معجزات باهرات (۷)
در سورة آل عمران در جزو رابع از رکوع عاشر چنانچه صاحب
تفسیر صافی ببارت وافی فرماید که (البینات) ای المعجزات (و الزیر)
الحکم و المواعظ (۸) در سورة مؤمنون در جزو ثامن عشر از
رکوع رابع که (زیر) ای قطعا جمع زیور الذی بمعنی الفرسه
(۹) در جای دیگر (البینه) ای حجة ظاهرة واضحة مثل الید
البیضاء (و الزیر) بضمین جمع زیور بالفتح بمعنی الکتاب (۱۰)
موضع دیگر (البینات) جمع یقین بمعنی الحجج (و در اصطلاح)
چنانچه در کتاب حصن البیان بیان فرماید آنستکه (الزیر و البینات هما
قاعدتان توأمان لا یصرف و اضمحلتا (موضوع) این علم اعداد حروف
و حکمات است که از زیر و که از یقینات (تعرف) آن علمی است
بخواص مطلوبه اعدادیه در استنباط اسرار مکتوبه فرائقه (فائده) آن
کشف برخی سلومات از مجهولات و آگاهی در بعضی از اسرار مخفیات
(مقصد دوم)

در قاعده باهره ساطعه زیر و قانون باهره فاطمه یقینات است و آن چنانچه
در طامع الفضل آورده آنستکه هر يك از حروف تهجی مرکبند
بعضی از دو حرف مثل (با) و (تا) و بعضی از سه مثل (صاد)
و (سین) و حروف اول الهاء در اصطلاح زیر مینامند و بنامند
یقینات مثل (با) زیرش (ب) است ^{که} بحساب جمل دو است
و بنامش (۱) که بحساب جمل یکی است (انتهى) پس روشن
گردید که زیر تطبیق مکتوبی حروف است بحروف در اعداد یعنی
زیر عبارتست از کلمه مساوی مرکبه دیگر یا جمله مر جمله دیگر را

و حساب جدل (مثل در کلمه) چون تعابو لفظ (کاکلی) با
 (کزدم) و (مو) با (جلیبا) و (کک) با (می) و (سها) با
 (پیاله می) و (قد) با (حب) و (مودت) با (محبت) و
 (محبوب) با (ناز) و (عرق حبیب) با (شبنم) و (مشوقه) با
 (محب عشق) و (عاشق) با (کسان) چنانچه آزاد گوید
 (لاغرو ان امر بالجزع اضنا الا ترى علقا قد عتد کتانا)
 و (یوسف) با (حسن ازل) و (سعاد) با (المدل) چنانچه آزاد نیز گوید
 (اسعاد صکف تسامین بطلوة والمدل الت فحاسی لله)
 و (حجر) با (درد) و (غم) با (تلخی) و (فرحان) با
 (دلشاد) و (دیوانگی) با (اسوده گی) و (زمزم) با
 (آب زنده گی) و (عبد) با (گناه) و (عقی) با (غامی)
 و (توبه) با (پشیمانی) و (زبان) با (دهان) و (علم) با (عمل)
 و (لیل) با (نگیل) و (آدم) با (پاکیزه) و (خواب)
 با (راحت) و (مال) با (امل) و (محتاج) با (بی دولت)
 و (درویشی) با (نیستی) و (پیر) با (بی عقل) و (کریم)
 با (نیک نفس) و (بد نفس) با (ملعون) و (والد) با
 (ام) و (طهماسب) با (جهان بنام) و (ملا) با (سواد)
 و [صلح] با [تراغ] و [صباح] با [صا] و (سماعی) با (یاسی)
 و (حساب) با (سهو) و (قله) با (برج) و (وعدش) با
 [باطلا] و (بخود) با (کشتی) و (غرب) با [کاشان]
 و (سکوفه) با [گیلان] و [انزلی] با [جهنم]
 و (نجف الاشرف) با (جنت سرا) و (یزد) با [زوجه]

و (ساوه) با [یس] و (دار القرار) با [سکورستان]
 و [هندی] با (سبز) و (اصفهانی) با (زیرک) و (ارمی)
 با (کار) و (عیار) با (بی سر و پا) و (اسان) با (احام)
 و (الله) با (محیط) و (وجود) با [واحد] و (رسول)
 با (رحمتا) و (ابو القاسم) با (ملک یوم الدین) و (محمد) با
 (امان) و (حب محمد) با (ایمان) و چون (ماه) با (ولی)
 (نمی چون آداب آمد ولی ماه مقابل گردد اندر لی مع الله)
 و چون (امام) با (اعجاز) و (علی) با (یحیی) و [الامح]
 با (علی) و در فارسی (علی) با (ملک) و (قائم) با (صاحب ما)
 (و اما) الفاظ رکیکه که طباع از او متفرق و نفوس از وی منزجر
 باشند بسیار است و در جیش در کتب ناگوار است چون [موسائی] با
 (بد اصل) و (روستایی) با (قیامت ناظم) و (ساویر) با
 (سک) و (هدایی) با (مکس) و (پای) با (درد) و (اقرعاش)
 با (تاجلو) و (المیسر) با (قمار) و (بز) با (جو) و
 (کپل) با (حیل) و (ناوا) با (جهنی) و (بی ادب) با
 (بابو) و (از زیاد) با (زنازاده) و (یزد) با (یحیا) و
 (طامحه) با (کب) و (گیالک) با (ملک) و امثال و اجود ترک
 ذکر آنهاست (مثل در جمله) (چون تعلق لفظ) (اول من این) با
 لفظ (علی بن ابی طالب) و چون (باب مناب نبی) با (علی بن ابی طالب)
 و چون (عن ایمان) با (وجه علی ابن ابی طالب) و این تعلق را
 تعلق زیر بزر نامند (و اما یقینات) چنانچه در حکایات ضمن بیان
 فرماید آنستکه یقینات تطبیق مائوای اسماء حروف است با حذف حرف

اول مر تمام عدد اسم دیگر را این معنی که بقیه مساوی مر تمام
عدد لفظ دیگر باشد و این تطابق نیز اعم است از آنکه در يك لفظ
باشد یا زیاده (مثال در کلمه) چون تطابق بقیه (محمد) با (اسلام)
زیرا که بقیه (محمد) (۱۳۲) و اسلام (۱۳۲) است و از این است
که عرفاء لفظ (الاسلام) را (با علة موجوده) هموزن دانسته اند
(رمزست کتاب حق تمامی بنظام اسرار الهی است بهر بطن کلام)
(از اسم محمد که بود مصدر کل در باب ز بقینات نامش اسلام)
و چون تطابق بقیه (علی) با (ایمان)

(توصیف علی نگین اندر اذهان بیرون بود از هم معانی و بیان)
(ایمان بولایش مطبق باشد در باب ز بقینات نامش ایمان)
(بیان ذلك) آنکه مملو علی (عین) (لام) (یا) میباشد چون
حروف اوایل که مجموع علی است حذف شود باقی ماند (ی) (ام)
(۱) عدد مجموع (۱۰۲) و عدد ایمان نیز (۱۰۲) است صاحب
روحات الجنات آورده که این رباعی از ملا جلال دوانی است

(خورشید کمال است نبی ماه ولی اسلام محمد است ایمان علی)
(اگر بیند در این سخن مبطلی بشکرت که زینبات اسماءت بجلی)
و چون تطابق بین لفظ (محمد) با (ما) چنانچه آزاد فرماید
(لم لا الود بسوح محبة انی بالیقینات وجدت محبة ما منما)
و چون تطابق (مدینه) با (بند حکمه) (مثال در جمله) چون لفظ
(حب علی بن ابی طالب) با لفظ (دین الاسلام) و چنانچه شیخ بهائی
نورانی بهجت در اول کتاب جامع عباسی استخسراج نماید که بقیه
(خلد الله ملكه) لفظ (شاه عباس) است زیرا که شاه عباس در عدد

(۴۳۹) و بقیه خلد الله ملكه نیز (۴۳۹) میباشد و چنانچه صاحب کتاب
مضیی الاعیان نیز بنام شاه عباس گوید که (شاه عباس) (نایب امام
محمد بن الحسن) زیرا که زیر لفظ شاه عباس چنانچه گذشت (۴۳۹)
و زیر لفظ نایب امام محمد بن الحسن نیز (۴۳۹) است (فائده) دیگر
آنکه بقینات (شاه عباس) (۴۰۲) است و آن معانی است مر زیر لفظ
(نایب امام همام محمد مهدی هادی) مجموع زیر و بقیه میشود (۸۰۴)
و آن مطابق است مر لفظ (نایب الامام محمد بن الحسن المهدی الهادی
صاحب الزمان) و اما تطابق بقیه به زیر چون تطابق بقیه (ملح) با (محمد)
(چون علی ناس محمد بود از علی ملح خوش محمد شد به راحل بهرجلوه کنان)
(و اما يك حرف) که در بقیه مطابق دیشی و در زیر و بقیه موافق
مر شبی آخر باشد چون [الف] که در بقیه ملاصق با (لا اله
الا هو) و در زیر و بقیه مطابق با (کالی) است و از این قاعده است
که اهل حروف چون عزالی و محی الدین اعرابی و غیرهما (الف) را
(اهل الحروف) نامند زیرا که زیر مملو علی الف لفظ (فطی) است
و الف به علاوه آنکه دلالة بر علم لسانی حقیقی ربانی دارد و حساب
بینه مطابق با (لا اله الا هو) است موافق با لفظ (علی) هم هست
و باید دانست که الف در تمام حروف توحیدی در کار است و مقوم هر
حرف است و بمنزله ماده آن حرف است یا بی واسطه مثل (با تا لا)
یا بواسطه مثل [جیم و سین] چون توام آنها بریادت و توام با به الف
و این سبب آنرا قطب حروف گویند و آن حرف شریف را حرف
ذات اندس دانند و بقیه آن که مظهر اسمیت است مطابق اسم مبارك
علی است بلکه زیر آن که همزه مملو شده است نیز مطابق اسم مبارك است

وهمزة ملفوظة همان الفاست که معنی هر حرفی عین آن در اول یا وسط یا آخر آن حرف واقع میشود و الف مصدر همزه است پس همزه الفاست و عدد آن نیز [۱۱۰] است ها (۶) میم (۹۰) زاء (۸) ها (۶) مجموع [۱۱۰] علی (۱۱۰) و لهذا قبل (از بین الف علی را بطلب) پس ظاهر الف علی باطن الف علی و الف مقوم حروف و حروف مقوم کلمات و کلمات مقوم آیات و آیات مقوم سور و سور مقوم کتاب تدوینی و هكذا الامر فی الكتاب التکوینی بالحدث الصائب والنظر الثاقب و قل العارف

(الف الحروف هو الحروف جمیها و الفاء دائرة علیه تطوف) پس میتوان بود که صدور هر حرفی از الف باشد که یکی است و همین شهادت وجود بموجود و وحدانیة رب موجود است چه که الف يك و محیط بتمام حروف را و بتنام اشیاء محیط است (علی کل حرف له آیه تدل علی اله واحد) از اینست که گویند (من عرف ظاهر الالف و باطنه وصل الی درجة الصديقین و مرتبة الطریقین) و حدیث شریف مروی از سر الله الاعظم علیه السلام فرمود (الالف واحدة لا یعلمها الا الراستخون) که جزء ثانی (العلم قسمة کثیرها الجاهلون) است اشاره بدانست چنی که الف یکی است و بر من او آگهی ندارد کسی مگر راسخون در علم یعنی اهل کشف (دل گفت مرا علم لدنی هوس است تعلیم کن اگر ترا دست رس است) (گفتیم که الف گفت دیگر گفتیم هیچ در خانه اگر کسی است یک حرف پس است) (مقصد سیم)

باید دانستکه تطبیق بدین فن مخصوص چهار قسم است و آن چنانستکه

تطبیق (کاه) زیر زیر است و (کاه) یته به یته و (کاه) زیر به یته و (کاه) یته زیر ولی بعضی از ارکان چون صاحب مضیعی الاعیان و غیر از او از اعیان شش صورت دیگر جهة توسعه در این فن بدو افزوده اند و آن تطبیق جمع (دو) زیر است زیر و (دو) زیر است به یته و (دو) یته به یته و (دو) یته زیر و (یته) یته به یته و (یته) یته زیر و جای آنستکه دو صورت دیگر چنانچه شاید و باید بدین قاعده لاسه مزید گردد و آن تطبیق (زیر) و یته است زیر و (زیر) و یته است به یته پس مجموع دوازده صورت نمودار گردید ولی عمده تطبیق که لولا دلیل لکن دیلا اعتبارا و برهانا اثنا عشا چنانچه معتبر دانسته اند و از جمله اجوبة اسکاتیه شمرده اند صور چهارگانه اولیه است (حکایت) صاحب کتاب غصن البان آورده که سلطان شهاب الدین ملک هند که در سنه (۱۰۷۶) وفات نموده ملقب بشاه جهان بوده یعنی شاه عالم پادشاه روم باو اعتراض کرد که تو هندوستان را سلطانی چگونگی ملقب بشاه جهانی در جواب حیران ماند پس ملک الشعراء عصر ابو طالب المتخلص به کلیم در مقام جواب بر آمده فرمود که جهان و هند مساویند در عدد زیرا که جهان (۵۹) و هند نیز (۵۹) است و هاتون حساب زیر او را محاسب نمود (بدینم) بزرگی از ارکان عامة اهل بغداد که چندان را بکان با خاصه اهل سداد نبود در رحله خود چنین نوشته بود سکه روائض نسك بقاعدة زیر و یته نموده و تطبیقات اختیاری در مقام مدح موالی خود برآیند و اثبات کرامات برای ایشان نمایند و هر که را دشمن دارد بتطبیقات دیگر که در مقام هجو است ذم نمایند و آن را قاعده نام نهادند و ممکن است که عکس شود یعنی بعض

آل محمدا با تطبیقات جتده و محب محمد و آل او را با تطبیقات و دیه مطابق نمایند (عرض نمایم) اگرچه در کلمات پست فطرتان از مخلوق چنینست ولی در کلام خالق بیچون حکمه مشر بر مجزء است چنانست معلوم است که فائل غافل از زیر مجزئات قرآنیه و بیانات یتنات فرقایه بوده که این عیب وارد آورده

(وكم من عائب قولا صحيحا واثقه من الله من السليم)
زیرا که تمام کلمات و آیات جتده و رحمة کلام الله با ملاحظه تفاسیر مطابق اسباب و القاب آل الله و همگی کلمات غضب و عذاب کتاب مطابق با اسماء و القاب اعداء الله میباشد چنانچه خواهد آمد (گواه عاشق صادق در آئین باشد) پس محاكمة ما و خصم مرجوع بمحكمة عدلية قرآن مجید و محول بادارة خطایه قرآن حمید است حکمه مشتمل بر نکات غریبه و اسرار خطیه و محتوی تفاسیل عجیبه مرموزة الهیه است

(هبت، ذاح، تو احمد خاتم بصیران دهر مدح تو قرآن است بامولی علی)
قوله تعالى في سورة التکووت (بل هو آیات بینات فی صدور الذین اوتوا العلم وما یجحد بآیاتنا الا الظالمون) بلکه خداوند عز و شاه در حق جاحدین و منکرین آیات قرآنیه در همین سوره نیز فرماید (وما یجحد بآیاتنا الا الکافرون) هر شواص دریای معرفت و دلیل که خود را در خط سلیل شنا گردید فهمید که اهل علم و فهم را در ادراک مقاصد و فهم مطالب عالیه ربانیه و استنباط حقایق از قوالب الفاظ مبارکه قرآنیه و استخراج لای تمییه از بحر اخبار نبویه و ولویه مذاهب و مشارب متخالفه نمایان است بعضی میزان عقل ناقص خود را حسب کرده و رای

کلیل و هوای نفس غلیل خود را اسطرلاب معرفه مبده و مباد قرار داده آیات فرقایه و کلمات صادرة از خزائن حکمت و اوعیه علم و سرقة را بمیزان عقل خود منجیده و از نقیة لبنة اسطرلاب رای کاند و هوای فاسد خود بین محورا نظر بانوار کواکب مشرقه در آسمان علم و عرفان انداخته هر چه بان میزان مؤزون و بان نظر مقرون افتاده همان را اعتقاد و اعتماد کرده مثل اصکثر سترلة متعنه و متغلفة متحکمه و متصوفة متشعطة حتی انتهى امرهم الی تغییر جمیع الظواهر فی الخطایات الواردة فی الکتاب و الیه و تاویلها الی غیر حاینها الحقیقه ما یشاق باحوال الاولی و الآخره و مناظرات اهل النار و الجنة و هؤلاء المتبرفون المتحکمون المصروفون کایم لریطموا ان فهم رموز القرآن و اسرار و النور فی انوار و اطواره مما لا یمکن بالفکر و النظر و لا بدیهه من متاعه اهل بیت النبوة و الاقتباس من مشکوة الولاية و الانقاء لانا الوالین علی اسرار الشریة ولم یسمعوا قول الله عز وجل ولا یلم تاویل الاله و الراسخون فی العلم و قول ای عبدالله علیه السلام و نحن الراسخون فی العلم و نحن نعلم تاویل و عن ای بصیر قال سمعت ابا جعفر علیه السلام فی هذه الایة (بل هو آیات بینات فی صدور الذین اوتوا العلم) قاضی بیده الی صدره و حدیث نبوی من قر القرآن برأیه فلینبؤ مقده من النار و من قر القرآن برأیه ان اصاب لم یوجر و ان اخطاء فهو ابعد من السماء معروف و مشهور است و بعضی دیگر مثل اشاعره و من هذا حدوهم نور عقل را خاموش ساخته و جوهر عقل را محکک انداخته از تدبر و تفکر و فهم و حکمت محروم مانده صرفا بذاب تاویل کرده در جمیع مقامات جمود بر ظواهر را لازم شمرده اند مگر در مثل الرحمن علی المرش استوی

إلا المقولات وكذلك النور لا يدرك لاحد إلا بالنور ومن لم يجعل الله
له جورا فماله من نور فمنع سواد هذا العین لا شاهد إلا سواد القرآن
فإذا خرجنا من هذا السواد والوجود المجاری والقرية الطام أهلها
مهاجرا إلى الله ورحوله وأدركنا الموت عن هذه النشأة الصورية الحسية
والخيالة والوهمية ما رأينا بعد ذلك من القرآن سواد أصلا إلا أبيض الصرف
والنور المحض وهذا القرآن أنزل من الرحمن إلى الحق بالاف حجاب
وتكسى نكوة الألفاظ ولغات الألسان لأجل تفهيم ضطاء المقول خفايش
الأصهار وتأييدهم به كما تكسى نور الشمس بكسوة الطلعة لأفطاع الحشاش
وتلبس ملابس البهية لاستنارة الأرواح ولو جعلناه ملكا لحملناه رجلا وهذا
عامة الرحمة من الله ونصفته على خلقه وألا فما للتراب ورب الأرباب ولو
أنزل هذا القرآن على ما كان من العظمة والشان إلى العرش لداب العرش
واضمحل ولو أنزلنا هذا القرآن على جبل لراجه حاصبا متصدعا
من حمولة وتلك الأمثال نضربها للناس لعلهم يتفكرون (ساحب
مشرق روار عن آورده) روى ابن عباس في قوله تعالى وكل شئني
فصنائه تفصيلا (قال صنفه) شرحناه شرحا يتنا بحساب الحمل أهم من
أهم وعد هو اسم الذي استمر الله إلى بيته ليلة المعراج وجعله عند
أمر مؤمنين ٤ ثم في عطفه إلى آخر الدهر وهي (٨) كلمات و (٢٨)
حرفا وكل حرف من اسم محمد وعلى ظاهره ما طنا بخرجه من
له وفوق على سرار علم الحروف وأعدادها (جنانجه هتيدم) دیگری
ارضاء سه طمس ودق بر شمس رده که ایمان وایسلام اعجم سب
در وسعت است (گرچه چیس لبس) ودر فرض نودش همین حدث
متفق حکم است قل رسول الله - (ستغرق استی تلكا وسبین حرفه کلهم

فی النار الا حرفه) که مستثنی لفظ (حرفه) است و حرفه شبه است (حرفه)
(٣٨٥) (شبهه) (٣٨٥)

(لاعن الايات اما ابتدأ اما الايات بشروا الرحمة)
(نحن اما يرشد المصطفى يوم صعدنا مع طينا ومنا)
هر کس بصل والذين جاهدوا فينا مؤيد صد الله بشارت لنهدهم مسنا
متبشر خواهد گردید (على بحث السامع من مواضعها وما على اذا لم
يهم البقر) هذا هو البرهان الوجداني الوجداني الحسني والتدليل
القاطع القاطع القرآني مما استنبطه القاصر الانم الحامى يوسف ابن
محمد بن يوسف السطى الجبلى

﴿ مقام اول ﴾

و در او سه مطالب است (مطالب اول) در انواع حروف است و آن بر سه
وعادت (مکریه) و (حطه) و (لطفه) اما حروف (مکریه) قدسنا
لفظه فی البحر البایع والنور اللامع واما (حطیه) آن قش خطی است
که هر حرفی از آن دلالة بر عددی کند چنانچه ورود آسرا در
مختصر المحمل لبراد سودیم که ١ (١) ب (٢) ج (٣) د (٤) هـ
(٥) و (٦) ز (٧) ح (٨) ط (٩) ی (١٠) ک (٢٠) ل (٣٠) م
(٤٠) ن (٥٠) س (٦٠) ع (٧٠) ف (٨٠) ص (٩٠) ق (١٠٠)
و (٢٠٠) ض (٣٠٠) ث [٤٠٠] ت (٥٠٠) خ (٦٠٠) د (٧٠٠)
ض [٨٠٠] ط (٩٠٠) غ (١٠٠٠) که آرا حساب جمل نامند واحتر
زیر جمل را با لفظ حکمه و ^{ضات} وجه جمل را با لفظ خیر کثیر مطابقت
نمودم (جمل) (٧٣) [حکمه] (٧٣) (وجمل) (٨٧) (خیر کثیر) (٨٧)
(ایکسر اسرار زیر گشته بی آگاه و خیر جمل آمد سد حکمه و این نکته نگیر)

(ور که ازینته خواهی تو مثالی گویم بر ادب و نظر و وجه جمل خیر مستحسین)
 و از اتفاقات این نطاق با توافق بعضی از معاصرین از اهل سداد
 موافق افتاد چنانچه فرماید
 از پس حمد خدا و پس از ذکر رسول شنو از سر حقیقه زمین این مریضان
 کی برون یبند پندار ز گوش شنوا چشم بینا بگشا تا که عیان بینی جان
 فهم هر عیبی بطوریکه بود در واقع آنچه آن حکمه و این علم باشد از آن
 هر که را خواست خدا داده حکمه حاکمست سوی این خیر کثیر از جمل آئی آسان
 بگر از وجه جمل سر حقیقه را خوش مدنی خیر کثیر این بودا در عرفان
 بجا ب سر حقیقه بگر از وجه جمل تا که می پرده از این پرده کند روی عیان
 (واما لفظیه) که آرا حروف مملوئی و صوتی نیز نامند عبارت از
 ما یملط به است چون الف با تا جیم حا حا دال ذال را تا سین
 شین صاد ضاد ط ظ عین عین فاف کاف لام میم نون واو ها یا
 ملاحظه کن تمام کلمات و عبارات و اقوال سلف و خلف با اختلاف ادب
 و سه اصطلاحات من زمین آدم الی یوم القیمة تماما ناشی و حاصل میشود
 از حروف بهی که مسمون و متکون است از اسم الناسی که ماکمال
 مطلب چون مملط و معارج حروف نگردد و در مع مملطه از حروف
 خارج شود از آن حروف متکون شود و از حروف کلمات و از کلمات
 کلام و از کلام مشرب و از مشرب منشدات متعجب میشود و از
 این مشرب و حکام غیر صدقه و ترب منگردد و متعجب کل معی سبطات
 و املط را از این ملاحظه فرما پس چنانچه از مملط و در مملط حروف
 مملط و مرکب که در جمع کتب صدقه و در غیر متعجب است
 مشی و صدقه میشود و حروف مسمون است در ادب طسمات و حروف

و اعداد مملطه که آنها را [مملطه] گویند (و غیر مملطه) که آنها را
 (صائت) گویند و ه (مفرد) و (ثانی) و (ثالث) باعتبار حرکت داشتن
 و نداشتن و عربك مملطه بودن و نبودن مثل دال و ذال و را و ز و عین
 و عین و سین و شین و مثل با و نا و تا و حیم و حا و خا و مثل الف و نون
 و لام و میم و کاف و حو ان ما لا یشار که غیره فی الصورة و میشود که
 مفرد را (محکم) و غیر مفرد را (مقتضی) گویند و گاه مانند که صاحب
 غلطه واحد را (مفرد) و دو قطره را (ثانی) و سه قطره را (ثالث) نامند
 (مطلب دوم) بدانکه بعضی از حروف
 زیر آن زیاد تر از یقینات است چون با تا حا حا دال را تا
 عین صاد ضاد ط ظ عین عین فاف کاف لام میم نون واو ها یا
 آن زیاد از زیر است چون الف حیم دال کاف لام میم نون واو
 و بعضی مساوی الطرفین است که زیر و یقین آن مساوی است چون (سین)
 که آرا (حرف کامل) و حرف (انسان کامل) نیز نامند و گفته شده
 (سین انسان چونکه حیزد از میان اول و آخر نماند غیر آن)
 و آنچه در کتب لسان الخواص گویند که (بعض الحروف یکون زیره
 اکثر من یقیناته فی الحساب ککل من حروف کلمن) بدیهی البطلان
 و طهره الفساد است بلکه یقیناته اکثر من زیره میباشد و شاید اشتباه از
 کاتب آن کتاب باشد (و اینجا بدانکه حروف را آنجا نیست مملطه
 و اسمائیت مشهوره آنچه تلفظ باسم آن به حرف میشود و اقل آن
 غیر آخر آن است (مملوئی) گویند چون الف و جیم و آنچه اول و آخر
 آن یکی است (مسروری) خوانند مثل میم و نون و واو و (مستدیر)
 نیز گویند و آنچه تلفظ در اسم آن بدو حرف میشود (ملیوی) دارند

مثل با و و حروف (عنه) نیز گویند و آنچه که بنا بعد خود منحل
 نمیشود (مفصله) نام چند چون الف و دال و دل و (مواصله) برخلاف
 اینست و آنچه که حرف تریف در آن مدغم میشود (مدغمه) و مقابل
 آن (مظهره) است و بین را (کامله) گویند (مطلب سیم)
 دو بیان اثنیاه مضی از اعیان چنانچه یکی از ادکیاء جهان و معروفین
 زمان در خصوص لفظ ها که آنرا هی تلمط فرموده چنانچه فرمود
 (اللهود يك الف و هی و دو لام زین اسم شریف دل گرفته آرام)
 (از یقه الف علی را بطلب و زهی و دو لام جو محمد را نام)
 یقه الف (الف) است و آن (۱۱۰) است علی نیز (۱۱۰) است و اما یقه
 ها الف است که عدد مکتوبی آن (۱) است که با یقه یقه دو لام (۸۳)
 میشود (۹۲) همچنانکه گمان کرده که با محمد مطابق باشد و کشف مرام
 در زیادتى توضیح مقام بیاید (واب) آنچه ملا جلال دقایی توهم فرموده
 که از یقه حروف الله علی بیرون آید آن نیز تمام نیست چنانچه فرماید
 (گر مرد دمی روشنی راه نگر آیات علی ز جان آگاه نگر)
 (گر یقه بر افش می خلی در یقه حروف الله نگر)
 زیرا که یقه الف (الف) و آن مطابق با [علی] است چنانچه گفت
 و با دو لام و با (۸۳) است و علی (۱۱۰) است پس از حروف الله
 علی بیرون آمد بلکه از يك حرف الله علی استخراج شده و شاید
 آنکه از بندها نیز اراده علی نموده و آن اگرچه درست است ولی
 علی کل حال از حروف الله که لفظ جمع است نتوان استخراج علی
 شود زیرا که جمع فرموده وار معرود با شبه آن مطلوب بر آمد
 و نوات بود که مصرع اخیر چنین باشد

(در یقه زحرف الله نگر) پس در اینصورت اثنیاه از نسخ باشد [فایده]

﴿ مقام دوم ﴾

در تطابق است محضی نماید که بعضی از اطلاعات مندرجه این مجموعه
 میله و برخی از محتویات این زیر اطمینان مقتضیه از رساله هرینه
 (مضیی الاعیان) است بخصوصه جلی از تطابق آیات قرآنی آن
 (زهرنگدر حاکم کوی شما بود هرگاه که درست سیم محراقاد)
 چنانچه مطابق جمله از این مندرجات باهرات و مندرجات زاهرات از
 سطحات استادنا المؤمنین الفرید فی الدن والوحید فی الزمن آفای
 «حی سید حسن کراری کرمانهای مدینه است و سی رسائل طریقه
 و صحیف طریقه در این فن بنزیر تعریف در آورده آنچه بنظر
 در هر رسیده (مرار الکام) (اشارة الکام) (الف باء حمید) (جلوة
 الکمال) (حقیقه مطلب) (حکمة آل محمد) (سبیل الاقط) (مبین کل)
 و آنچه بنظر لایح احقر رسیده زیاده از آن است

(خبروی که از مشق و فرغل شنوی از دولت آن زلف چه سنبل شنوی)
 و در این مقام دویم به جلومات (جلوة اول)
 در تطابق زیر زیر نامهای حضرت ختمی مرتبه صلوات الله علیه (بی)
 (۶۲) (واجب دوم) (۶۲) (احمد) (۵۳) وجود اجل (۵۳) اجل وجود
 (۵۳) (لارم وجود احمد) (۱۵۰) لازم اسجاد احمد (۱۵۰) ممکن [۱۵۰]
 (لیل لی مسم حبیبك قلت بین الناس احمد قبل محمود حکیموسف
 قلت والمحمود احمد) سائل (۹۲) وجود حکمه (۹۲) جلوة الواجب
 (۹۲) اجمال وجوب (۹۲) وجه اکوان [۹۲] آیه وجه وجود الواجب
 [۹۲] آیه وجه واجب الوجود [۹۲]

(بیست کس امر و وجه وجود لوح حب حرم محمد ص و فاش ار او گشته عید)
(محمد) (٩٢) امان (٩٢) محمد (١٣٢) زیرا که در لفظ او یک میم
مدغم است (م ح م د) الامین (١٣٢)

(لأسم خير الرسل فصل عند ذي الفصل مبین فهو الخط امان وهو في اللفظ امین)
(جلوة دوم) در تطبیق یتنه زیر بنام آن حضرت

یتنه (ملح) (٩٢) زیر (محمد) (٩٢)

(لما اعجز الأفكار عن كنه وصفه وما اقصرت التفسير عن كل معناه)
[جلوة سیم] بنام پیدمیر ص باضافه عدد دیگر (محمد وا) (٩٣)
اول جلوة واجب (٩٣) واسطه واجب (٩٣) (محمد و ٤)
(٩٦) اول موجود (٩٦) جلوة وجه ازل (٩٦) (محمد و ١٣)
(١٠٥) لباس واجب (١٠٥) (احمد و ١٣) (٦٦) (وجود الیه) (٦٦)

﴿ مقام سیم ﴾

و در آن سه رشتناست (رشته اول) در تطبیق در سرور هم مشارک
مولی الموالی علی بن ابی طالب علیه السلام (وجود علی) (١٢٩) زب ثه
(١٢٩) بدل الی (١٢٩) غنة واجب (١٢٩) حاصل (١٢٩) سطلی (١٢٩)
صلاح [١٢٩] علی بن ابی طالب (٢١٧) لایق جای نبی (٢١٧) ره
واجب (٢١٧) علة اكن (٢١٧) دار واجب (٢١٧) مصباح عبد (٢١٧)
مصباح کون (٢١٧) وابطه (٢١٧)

(راعه حقیق وحدانیر علی بن ابی طالب ار بود کسی دادی از این رتبه شان)
(علی ان ابی طالب) (٢١٨) باب سب بی (٢١٨) پیرو (٢١٨)
امم مؤمن (٢١٨) صفة واجب (٢١٨) آية رب (٢١٨) راه و حب
(٢١٨) ذب مدنة الحكم (٢١٨) صبح لوحود (٢١٨) (وحد علی)

(١٢٤) واجب امكن (١٢٤) آية حق (١٢٤) جنة الله (١٢٤) علة ايجاد
(١٢٤) واسطه الواجب (١٢٤) جمال ايجاد (١٢٤) جمال الوجود (١٢٤)
اجدل الایجاد (١٢٤) اجمل الوجود (١٢٤) جلوة وجه الله (١٢٤)
محبوب الله (١٢٤) جلوة علی ابن ابی طالب (٢٦٢) عنة مدیه (٢٦٢)
قبول وجه علی (٢٦٢) (وجه علی ابن ابی طالب) (٢٣١) واسطه ممکن
(٢٣١) ولاء علی بن ابی طالب (٢٥٦) لواء علی بن ابی طالب (٢٥٦)
فاس الله (٢٥٦) نور (٢٥٦) قصد وجود الواجب (٢٥٦) قصد واجب
الوجود [٢٥٦] ابن ابی طالب [١٠٨] جلوة جلال (١٠٨) اصحاب علی
(٢١٢) اصحاب یعین (٢١٢) آية وجه علی (١٤١) عالم (١٤١) جلوة
آية وجه الله (١٣١) حب علی ابن ابی طالب (٢٢٧) صفة واجب الوجود
(٢٢٧) صفة وجود الواجب (٢٢٧) (محبه علی) (١٦٥) غنة (١٦٥)
(ولایة علی) (١٦٢) احام (١٦٢) (ولایة علی ابن ابی طالب) (٢٧٠)
حسن الامان (٢٧٠) وجود علی ابن ابی طالب (٢٣٧) ايجاد علی
ابن ابی طالب (٢٣٧) قصد الواجب (٢٣٧) حبیب علی ابن ابی طالب (٢٤٠)
قصد (٢٤٠) (محب علی) (١٦٠) اصحاب جنة (١٦٠) حب علی (١٢٠)
احسان (١٢٠) طعام (١٢٠) جنة واجب الوجود (١٢٠) جنة وجود الواجب
(١٢٠) وحب صفة (١٢٠) تابع علی (٥٨٣) حصة طنبه (٥٨٣) محمد

علی فاطمه حسن حسین (٥٨٣) رشتة دوم

بنام مبارک آن سرور باضافه عدد دیگر (علی وا) (١١١) کالی (١١١)
وسيله (١١١) امان ايجاد (١١١) ایمنی (١١١) (علی بن ابی طالب وا)
(٢١٨) علة ما سواه (٢١٨) مالك الى الله (٢١٨) زابر (٢١٨) صفة الواجب
(٢١٨) (علی ابن ابی طالب وا) (٢١٩) ماول الواجب [٢١٩]

لست له حب مطول سواء وسوى
 سواء لو احدى الكون امن الاكون
 كان في مآوله من بين لمراد
 ومن الواحد للواحد انعام مدن
 فهد سواء ولحق مصلهما
 وهما علة امكن لما ياتي وكان
 (ولادة شمس طاب و ۱۱۰) (۲۸۱) باب المراد (۲۸۱) المراد [۲۸۱]
 در ر ۲۸۱ (وجهی ۱۳۰) (۱۳۷) لیه (۱۳۷) **رشته سیم**
 در طاق لفظ عن سون نطاق اول (اول من امن) (۲۱۸) علم این
 این باب (۲۱۸) (سی) (۱۱۰) دومین (۱۱۰) سیم (۱۱۰) جلوة الله
 (۱۱۰) لیس وحب [۱۱۰] لاس وحب (۱۱۰)

هو عظم معنی حق و علی است
 هائک و او غایب این رمز جلی است
 رست و را هشت و عدد کتی
 اسم عددش مطابق نام علی است
 محمد حق (۱۱۰) مرید (۱۱۰) باب نعاة انه (۱۱۰) کمال ایحاد
 (۱۱۰) ایحد کس (۱۱۰) امن و خود (۱۱۰) امن ایحاد (۱۱۰)
 حمل انه (۱۱۰) حل حمل (۱۱۰) حلال الهی (۱۱۰) طه جمال
 (۱۱۰) صبح (۱۱۰) صبح ایحد (۱۱۰) مالک و خود (۱۱۰) یمن
 (۱۱۰) ولی دس (۱۱۰) بحق (۱۱۰)

(من مالم محمد ولی عن علی
 معنی بسلامه مؤمن کل ولی)
 (من غذهب ب محمد لهما
 مجموعهما مطابق لاسم علی)
فأعده

(علی بی هر سی منی
 نکر هجده اعدادش در این منی)
 (سراک نکر در عشر مضروب
 طرح بیست بر هر یازده زن)

مقام چهارم

بود و سه سبلاست (سبلاول) در تطابق زیر موالی الموالی

امیر المؤمنین علی علیه السلام زیر انبیاء مرسلین عظیم السلام
 (حبیب النبی علی (۲۲۵) آدم صفی (۲۲۵) (علی ولی اله)
 (۱۹۲) نوح نبی الله (۱۹۲) علی امین (۲۱۱) اسماعیل (۲۱۱) علی
 صاحب (۱۶۹) اسحق (۱۶۹) الحبيب علی ولی الله (۲۷۵) ادریس
 (۲۷۴) علی اعز (۱۸۸) یطوب (۱۹۱) علی ولی (۱۵۶) یوسف
 (۱۵۶) حبیب الزکی علی ولی الله (۳۱۲) ایوب صابر (۳۱۲) علی
 العالی (۲۵۲) سلیمان نبی (۲۵۲) (بد الله علی) (۱۹۰) سلیمان (۱۹۰)
 (این ای طالب علی هادی) (۲۳۸) زکریا (۲۳۸) (لوصی زکی علی)
 (۲۸۳) یحیی مصوم (۲۸۳) علی ولی الله (۲۴۲) صالح البنی (۲۴۲)
 (حیدر عادل علی بن ابی طالب) (۵۴۳) یودع من نون (۵۴۳) (امام طاهر)
 واطن علی مطلق حائل (۶۰۰) حضر (۱۶۰۰) (علی داعی) (۱۹۵)
 الیاس نبی (۱۹۵) (المعطی علی ولی الله) (۴۸۴) شعیب (۳۸۴) علی العالم
 (۲۸۲) موسی کاظم الله (۲۸۲) الحبيب الحبيب علی بن ابی طالب (۳۲۳)
 هرون نبی (۳۲۳) الکامل علی بن ابی طالب (۲۸۷) عزیر (۲۸۷)
 واز اینهاست که بسمار باسر فرموده (بسمی تکوین الکائنات وسمی
 داعی سایر الانبیاء)
سبلا دویج

در تطابق زیر موالی الموالی علی بن ابی طالب ۳ با بیئات انبیاء مرسلین
 عظیم السلام (علی حاکم) (۱۷۹) داود (۱۷۹) الحاج علی ولی الله (۱۳۱۲)
 ذوالکمال (۱۳۱۲) المؤمن علی بن ابی طالب (۳۸۴) ذوالقرنین (۳۸۴)
 (الهدی علی علی) (۲۷۲) البیع (۲۷۲) (علی واحد) (۱۲۴)
سبلا سیم
 یونس [۱۲۴]

در تطابق بیئات امیر المؤمنین با بیئات انبیاء مرسلین (حبیب علی ولی الله)

(٣٤٩) دُرُود (٣٤٩) (السی) (٢٩٠) هودلی الله (٢٩٠)
 من عین عنی عب قد طرت واللام بها اذا التحوم استرت
 والدء اد سحرها مفتکرا التیت بها اذا السماء اضطرت
 ﴿ مقام بیجم ﴾

دُرُود سه طره ست (طره اول) در تطابق بیت مولی علی بن ابی طالب ۴
 دُرُود وندب سه مرسلین عینهم للام (الحسب الله دی علی) (٢١٤)
 لوطی (٢١٤) (طره دوم) در تطابق زیر بافتات باخانه (١١) عدد
 (عین و طاب و ١١) (٢٢٨) لکن (٢٢٨) ﴿ طره سیم ﴾ دو
 نص موی عین ابی طالب بافتات اسباء مرسلین مع حذف مکررات
 (عین و طاب (٢١٧) محمد رسول الله (٢١٧) عسی روح الله (٢١٧)
 (عین عی) (١٦١) ابراهیم حلیل (١٦١)

هم یورب سوبد جهن بود علی بود ناقش زمین بودو زمان بود علی بود
 هم آدم و هم سبهم درس و هم ایوب هم یونس هم یوسف هم هود علی بود
 هم موسی هم عسی و هم حصرو هم الیاس هم صالح پیغمبر و داود علی بود
 مسعود ملائک کشد آدم ر علی شد در بکه محمد بدو مقصود علی بود

﴿ مقام ششم ﴾

دُرُود سه ست (سیدش اول) در توافق کتب سماوی آنچه معروف
 و مشهور است هم مدرك علی بن ابی طالب علیه السلام (ورنه) (٦٢١)
 و ی تصدیق الدین علی بن ابی طالب (٦٢١) (اواج) (٤٦) ولی (٤٦)
 صاحب (١٧٨) ولی حسب علی (١٧٨) (رور) (٢١٥) علی عادل
 (٢١٥) (حسن) ندب او بعد مکرر (٢١٧) علی بن ابی طالب (٢١٧)
 (مردن) (٤٣١) الحامی المدح علی علام (٤٣١) قرآن (٣٥١)

هو الامام الهمام علی (٣٥١) و انت الكتاب العین الذی

با حرفه نظیر المضمیر ﴿ نمایش دویم ﴾

در توافق اسامی گرامی هریک از اسماء هدی بعد از اسقاط مکرر بنام
 مبارک علی بن ابی طالب علیه السلام بطریق یقه (علی بن ابی طالب) (٢١٧)
 امام حسن (٢١٧) امام حسین (٢١٧) امام زین العابدین (٢١٧) امام
 محمد بن علی (٢١٧) امام جعفر بن محمد (٢١٧) امام موسی کاظم
 (٢١٧) امام علی بن موسی (٢١٧) امام محمد بن علی (٢١٧) امام علی بن
 محمد (٢١٧) امام حسن المکری (٢١٧) امام م ح م د ابن الحسن (٢١٧)
 ﴿ نمایش سیم ﴾ در تطابق آنچه ملاحظه شود با نام

مبارک علی بن ابی طالب چنانچه حرفا من الاطالة بعضی ابماء میشود
 (عرش) بیت او (١٢١) هو علی (١٢١) (کرسی) (٢٩٠) الزکی
 علی ولی الله (٢٩٠) (لوح) زیر وینبات او (٩٣) ولی والی (٩٣)
 (قم) (١٧٠) ولی واهب علی (١٧٠) (میزان) (١٠٨) ابن ابوطالب (١٠٨)
 صراط (٣٠٠) الوالی علی ولی الله (٣٠٠) (جهن) زیر وینبات او (١٦٥)
 الحبيب علی ولی الله (١٦٥)

کتاب فصل ترا آب بحر کانی نیست که ترکیبی سر انگشت و صفحه شماری

﴿ مقام هفتم ﴾

در استخراج حروف تہجی بنی در تطابق حروف بیست هفتگه بنام
 همانون علی بن ابی طالب علیه السلام بعضی از زیر و بعضی از بین
 و برخی از زیر و بین و باره از بین و بین و در او سه قسمت است
 ﴿ قسمت اول ﴾ (الف) بیت الف (١١٠)
 علی (١١٠) و دوازده حرف دیگر که بیت آنها الف است یقه یقه موافق

[illegible]

(مقام مشتم)

حرف حروف مقطعات قرآنی است و الله اعلم بمراده من الحروف المقطعة
فانها من الاسرار المكتومة كما قال الشعبي حين سئل عنها قال هو سر الله
ولا تطلبوه والله تعالى لا يظهر على عبده احدا الا من ارتضى من رسول
او وارت رسول (وفي الحديث) ان من العلم كهية المكنون لا يبلده الا العلماء
بالله هذا نطقوا به لا ينكره الا اهل الفرة بالله رواه ابو منصور الديلمي وابو
عبد الرحمن الملي كما في الترغيب قال الرافعي هي اسرار الله مستنفا الى
اتناء اولياته وبيانات النبلاء من غير سماع ولا دراسة وهي من الاسرار التي
لم يطع عليها الا الحواس كما في فتح القريب (ومضى ابن علم باسرارها
علم الباطن فاميد ماد جناحه درخبر است (سئل عن النبي ص عن علم الباطن
هل علم بين الله وبين اولياته لم يطاع عليه ملك مغرب) ودر ابن مقام
به سر است ﴿اسرار﴾ يثبت ﴿بسم الله الرحمن الرحيم﴾
سائر اسقاط مكرر (٢١٧) على ناي طالب (٢١٧) ﴿سردويم﴾
هواجس سود را شمرده پس از اسقاط مكرر آنچه مافی ما بین چهارده
حرف است (ص ر ا ط ع ل ی ح ق ن م س ك ه) كه علماء حروف
آنها حروف نورانی و حروف سیده خوانند كه متطوق آنها (صراط
على حق نسكره) میباشد (ملاجلال دقانی) علیه الرحمة فرماد
در شان على آیه بسیار آمد یارب كه شنیدو کی خبریدار آمد
انكس كه شنیدو دید مقدار على چون حرف مقطعات ستار آمد
واز اینهاست كه گفته اند (سر الله) مودعا فی كتبه و سرالكتب فی القرآن
لا اله الا الله و الله تبارك و تعالی و سرالقرآن فی حروف المقطعة
(فی اوائل السور) و شاهد این سر عظیم خود سر الله الاعلم فرماید قلا

عن المجمع انه قال (لكل كتاب صفوة وعلو هذا الكتاب عن المصنف
حروف النجى) (ترجم) از منشدات ملاجلال دقوى عليه رحمة البارى
فامى الفاست احدا از اوجوى عدد و احده بشمار يتناش عدد
بنكر كه على است فالى سر الله اذ قال الله قل هو الله احد
وار الواحد ابن سر است كه علق كل وهادى مثل صلى الله عليه واله
وسلم فرمود (مثل على بن ابي طالب بكم مثل قل هو الله احد فى القرآن)

﴿ مقام نهم ﴾

ودراو سه بكتاست (بكتا اول) مولى است از امام همام على بن ابي طالب
عليه السلام كه حق تعالى صد و چهارده كتاب از آسمان فرو فرستاد و توريه
واحد و درود و قرآن را از ابا برگزید و علوم همه كتاب عارا در ايشان
درج كرد و پس از ان چهار قرآن را برگزید و علوم و ثواب وسعت دينا
و آخرت را در آن مندرج ساخت و سداز آن همه علوم ارا جمع نمود
در سورة هى بفصل كه از سورة حمد است تا آخر قرآن و سداز آن فاتحه را
احبار سود و هده را دراو جمع كرد و سداز آن همه آن علوم را در رسم الله
الرحمن الرحيم درج نمود و سداز آن همه را در بسم الله وضع نمود پس آن حضرت
فرمود كه من ان قطعه ام كه در زير بام است و كلمه سر و فتنه بسم الله حضرت ولى الله
عليه صواب الله كه فرمود (طهر الوجودات عن بسم الله وادب الحظنة نى
تحت الباء) و در ايل دنگر (جميع ما فى القرآن من بسم الله وادب الحظنة تحت
مؤيد مدخل و مصحح اقوال است و همين مى فرموده اند (طهر الوجود
والبقرة تميز البسم من المصود) تا كه (عن الباء طهر الوجود والبقرة تميز البسم
عن المصود) حى دنگر (طهر الوجود وادب الحظنة لا ولاء مكتوبة
هائه) پس آنچه در همه كتب منزلة سماوى است در قرآن است و آنچه

در قرآن است در سورة حمد است و آنچه در حمد است در بسم الله
الرحمن الرحيم است و آنچه در بسم الله الرحمن الرحيم است در بسم الله
وامير المؤمنين فرمود منم آن قطعه زير بام واز اينست كه گفته اند
(على بن محمد است و كسى بى بر سر خدا را بارب بالالف التى لم تصاف
ونقطة هى سر حكمل الا حرف ثمت على هدى واتسم نوره
يادن به اصحب حنى مكتفى

﴿ نكته دويم ﴾

اينكه حروف بسم الله قطعه دارد بر خلاف ساير حروف الهى حكمتى
وسرى دارد چنانچه گویند مولى الدوالى فرمايد (سرالكتب المنزلة
فى القرآن و سرالقرآن فى فاتحة الكتاب و سر فاتحة الكتاب فى بسم الله الرحمن
الرحيم و سر بسم الله الرحمن الرحيم فى قطعة تحت الباء و اما قطعة تحت الباء)
شيخ عبدالوهاب ابن احمد شعراى در كتب ميزان روایت كند (قال
على عليه السلام لو دشت لا وفرت لكم ثمانين جيرا من علوم النقطة التى
تحت الباء) فرمود اگر بخواهم در معنى بام بسم الله هشتاد بار شتر
كتاب بنويسم ميتوانم (وعن ابن عباس ان عليا سرلى بام بسم الله من قول الليل
الى آخره و ماتم تفسيره) اگر قطعه زير بام يا قطعه ديگر در حروف سجده
فائده و خاصيتى نداشت عالم علم سلونى قبل ان تفقدونى چنين فرمايشى نيفرمود
اسم مبارك على عليه السلام

﴿ نكته سيم ﴾

حشوق از اسم خداست كه عرب بهمين نام دريف (على) خوانند و اهل
طائف (حميد) يا (تحميد) در مكه (باب البلد) در عراق (امير النحل) در
رقم اسمى (احد) و در اسمهاى همكاه مدبر ترتيب موسوم است (عبد الحميد)
(عبد الحميد) (عبد الصمد) (ذوالقلى) (مركى) (ابوالقلى) (عبد القلى)
(ذات القلى) (رب القلى) (على الاعلى) و حضرت باري اورا در مستند عزت

کلمه نوحید دوزده حرف است (ل ا ا ل ا ه ا ل ا ل ه) (سیم)
 ارکان کلمه رسالت دوازده حرف است (م ح م د و س و ل ا ل ه)
 (چهارم) رکان کلمه خلافت (ع ل ی خ ل ی ف ا ل ل ه) (پنجم)
 کلمه ادرت (ا م ی ر ا ل م ؤ م ن ی ن) (هشتم) حجاب دوازده میباشند
 (۱) حجاب لدره (۲) حجاب عظمت (۳) حجاب عزت (۴) حجاب هیبت
 (۵) حجاب حرورت [۶] حجاب رحمت (۷) حجاب نبوت (۸) حجاب
 کبریا (۹) حجاب منزله (۱۰) حجاب رفعة (۱۱) حجاب سعادت (۱۲)
 حجاب شفاعت (هفتم) آنکه هر يك از این اسماء مرکبه دوازده حرفند
 (لله الاله) (الرحمن الرحیم) (الحمد المجد) (الرفوف الرحیم)
 (الحسن الحسن) (الخالق الباری) (الواحد الکرم) (الواحد القهار)
 (الدهر المظی) (التواب الوهاب) (الفتاح الرزاق) (المحسن المحمل)
 (المسمی بسم) (ا ل ل و ر ب) (ذال موم لدس) (هشتم) هر يك از
 اسمی است مرسس دوزده حرف است (آدم حیده لله) (نوح حلیه لله)
 (موسی کلیم لله) (عیسی مدح لله) (محمد حب لله) (وای حورث شر نب
 دوازده حرف است) (امی مد حمد) (هم) هر يك از اسماء والقب الهه
 هدی دوازده حرف است (علی بن ابی طالب) (محم حسن محتبی) (محم حسین
 شهید) (رس اله مدس علی) (محم محمد صفر) (محم صفر صادق) (امام موسی
 کاظم) (محم علی الرضا) (محم محمد خرد) (محم علی لقی) (محم حسن عسکری)
 (امام ح م د مهدی) (دهم) مصاد و زده اند (۱) یهودا (۲) روبیل
 (۳) شمعون (۴) لاوی (۵) رملون (۶) یسجر (۷) دینه (۸)
 دان (۹) شتالی (۱۰) حاد (۱۱) شر (۱۲) سیمین (زدهم) حواریون
 دوازده اند (۱) اسیمون المدعو بطرس (۲) برادر او الدررس (۳) یقوب

ابن زیدی (۴) برادر او یوحنا (۵) فیلبوس (۶) بارتولوماوس [۷] ثوما
 (۸) متی الفشار (۹) یقوب بن حنفا [۱۰] لیاوس المدعو ثداوس (۱۱)
 تیمون القالونی (۱۲) یودا الاسخریوطی (دوازدهم) اسم دوازده اند (۱)
 علی (۲) حسن (۳) حسین (۴) علی [۵] محمد (۶) جعفر (۷) موسی
 (۸) علی (۹) محمد (۱۰) علی (۱۱) حسن (۱۲) م ح م
 (سیزدهم) قباء دوازده میباشند (۱) سعد بن عباد (۲) سعید بن زراوه
 (۳) سعد بن الربیع (۴) سعد بن خیمه (۵) منذر بن عمر (۶) عبدالله
 بن رواحه (۷) برائن ابن مررود ابوالهشیم ابن الشیهان (۸) اسید بن حضیر
 (۹) عبده بن عمرو ابن خزام (۱۰) عباد بن الصامت (۱۱) واقع بن مالک
 (۱۲) ابوامامه (چهاردهم) هر يك از اسم و لقب چهارده مصوم دوازده حرفند
 (۱) محمد رسول الله (۲) علی باب الهدی (۳) فاطمه امه الله (۴) الحسن المحتبی
 [۵] الحسین الشید (۶) امام العادین (۷) الامام الباقر (۸) الامام الصادق
 (۹) الامام کاظم (۱۰) امام علی الرضا (۱۱) محمد ابن الرضا (۱۲) علی
 ابن الحوادم (۱۳) الحسن العسکری (۱۴) المهدی الهدی ﴿بازدهم﴾
 هر يك از این جعل دوازده حرف میباشند (النبی المصطفی) (الصادق الامین)
 (الشیر الدر) (لسراج المبر) (لام لا ولی) (علی بن ابی طالب) (امیر المؤمنین)
 (لمرؤة لونی) (مسی الله حق) [فاطمه بنت محمد] (لتوفی الزهر) (وارثه سنبی)
 (الامام الثانی) (الحسن المحتبی) (وارث المرسلین) (الامام الثالث) (الحسین
 ابن علی) (خلیفه النبتین) (ووالد الوصیین) (الحسن والحسین) (الامام الرابع)
 (لامام السجاد) (علی بن الحسین) (امام الصالحین) (وستد العادین) (الامام الخامس)
 (لامام الباقر) (موم محمد بن علی) (محم المؤمنین) (الامام السادس) (الامام الصادق)
 (الجعفر بن محمد) (قدوة الصالحین) (الامام السابع) (الامام کاظم)

(الموسى من جبر) (الامام الثاني) (على ابن الكاظم) (الامام التاسع) (الامام الحواد)
[هو محمد بن علي] [محمد بن الرضا] [حبيبه المستحسن] [الامام العاشر] [الامام الهادي]
(علي ابن الحواد) (هو علي ابن محمد) (وارث الوصيتين) (امام الحادى ر)
(الحسن المكرى) (امام السندى) (الامام العاشر) (العاشر الهادي) (م ج د
ابن الحسن) (حبيبه لنتن) (وحام الوصيتين) (هؤلاء لعدة) (عمره ليامين)
(سعيد لطلب) (سادة اهل لحد) (مهم مؤمنين) (مهم مؤمنين)
(فر الحادى) (عدوهم كافر شقى) (عدوهم فى الزر) (افى النار مؤيدا) (هو
هذه الحق) (اهم صل عليهم) (ما فضل صلواتك) (يارب اله لمين) (لشاردهم)
بروح درود (۱) حمل (۲) ثور (۳) جوزا (۴) سرطان (۵) اسد
(۶) سنبله (۷) میزان (۸) عقرب (۹) قوس (۱۰) جدى (۱۱) دلو
(۱۲) حوت ~~حزبه~~ تحول سنين (فارسيه) (۱) موش (۲) گاو (۳)
يگ (۴) خرگوش (۵) بک (۶) مار (۷) اسب (۸) گوسفند (۹)
حمه (۱۰) مرغ (۱۱) مگ (۱۲) حوت (ترکيه) (۱) سنجاق
(۲) اود (۳) پارس (۴) لوشقان (۵) لوى (۶) اسلان (۷) يوت
(۸) لوى (۹) سحرى (۱۰) حلقوى (۱۱) ايت (۱۲) تنگوز ~~حزبه~~
شهر درود ~~عشر~~ (۱) محرم [۲] صفر [۳] ربيع الاول [۴]
ربيع الثانى (۵) جمادى الاولى (۶) جمادى السه (۷) رجب (۸) شعبان
(۹) شهر رمضان (۱۰) شول (۱۱) دى قعد (۱۲) دى لحد
(روميه) (۱) شرب الاول (۲) شرب الاخر (۳) کاور لاول (۴)
کاور لثانى (۵) شط (۶) آدار (۷) سنان (۸) هر (۹) حريران
[۱۰] قور [۱۱] آب (۱۲) اسول ~~حزبه~~ (۱) فروردى ماه
(۲) اردى بهشت ماه (۳) خرداد ماه (۴) تير ماه (۵) مرداد ماه (۶) شهر مور ماه

(۷) مهرماه (۸) آبان ماه (۹) آذرماه (۱۰) دیماه (۱۱) بهمن ماه
(۱۲) اسفندماه (روستبه) (۱) بنوار (۲) فیورال (۳) مارت (۴)
آبریل (۵) می (۶) ایون (۷) ایول (۸) آوگوست (۹) سینطیابر
(۱۰) اوکطیابر (۱۱) نوایر (۱۲) دیکار (بوزدهم) ساعات دوازده اید
(لیلیه) (۱) شفق (۲) عقی (۳) غنمه (۴) مردد (۵) هججه (۶)
زواله (۷) زله (۸) اسبل (۹) سحر (۱۰) فجر (۱۱) صبح
(۱۲) صباغ (لهاریه) (۱) شروق (۲) یکور (۳) غزو (۴) ضحی
(۵) هجره (۶) استواء (۷) ظهیر (۸) رواج (۹) عصر (۱۰)
غروب (۱۱) غرب (۱۲) عشاء (بیستم) اسماء مراتب عدد دوازده اید
اریکی تاده و نازدهم صد و دوازدهم هزار و از لطایف نکات این مقام است
آنکه در کلام طنبیه توحیدیه اعنی (لا اله الا الله) حرفی غیر حروف اسم اعظم الله
بیست چهارم ترکیبش الف و لام و هاء است اینج ل و بیج ا و دو ه مجموع
دوازده (بیست یکم) کلام عربیة الهامیه دوازده حرف است (محمد رسول الله)
و کلمات ابدیه دوازده اید (علی وصی الرسول) (علی امام الوری) (علی
مظهر الهدی) (بیست دوم) زیارت اثنا عشر مراتب این زیارت مطلقه مخصوصه نیست که
هر من رانده عدم سلام را پس میتوان در هر مورد و ۱۰۰ مرتب زیارت ثنا عشره است
زیرا که هر هرة آن بدون حرف عطف دوازده حرف است و این مدیه از منشدات
شیخ العلماء العالمین شیخ بهاء الدین است (سلام الله علیکم) (اهل بیت المصطفی)
(مدیح لرحمه) و (لوصءه لحق) و (لهدون لحق) و (سلام الله علیکم)
(معالم دین الله) و (مادن حکمة الله) و (مظاهر لطیف الله) و (محررین علم الله)
(مهابط وحی الله) و (حملة کتاب الله) و (خلفاء رسول الله) (سلام الله علیکم)
(اعلام الهدایه) و (انطاب الولایه) و (انوار الملکوت) و (اسرار الالهوت)

و (بتابع العلوم) (عن الحی المیتوم) (سلام الله علیکم) (مصباح العظام) و
(سادات الاسلام) و (هدایة السلام) و (شمس الامام) و (رحمة له و ركانه)
(علیکم اجیبنا) فاطرین الاعتبار الی ادوار الابدان کیف جرت بهما الاسرار
بمشیة الملك المختار ذلك تعذیر الغرر العظیم لا یدرکه الا ذو ذوق سلیم و كذلك
یضرب الله الامثال وله المنل الاعلی

مقام دوازدهم

در او سه عجبیه و یک اعجب المعایب است (عجیبه اول) اعداد اسماء الله
اثنا عشر را جمع نموده و (۱۳۶) مرتبه دوازده دوازده طرح نموده دوازده
عدد بقی میماند علی (۱۱۰) الحسن (۱۴۹) الحسن (۱۴۹) (لا یحسب) (۱۴۹)
علی (۱۱۰) محمد (۹۲) جبر (۳۵۳) موسی (۱۱۶) علی (۱۱۰) محمد (۹۲)
علی (۱۱۰) الحسن (۱۴۹) ح م ح م د (۹۲) عجیبه دوم
اعجب از آنکه اسماء الله علیهم السلام را بر این طرح (۱۲) (۱۲)
دوازده عدد بقی میماند الفبائیه را نیز اگر (۵۵۸) مرتبه (۱۲) (۱۲)
طرح نماییم دوازده عدد نیز بقی میماند بدین دستور المرتضی (۱۴۸۱)
المجتبی (۴۶۸) الشهد بکر بلا (۶۰۵) زین العابدین (۲۳۵) الباقر (۳۳۴)
الصادق (۲۲۶) کاظم (۹۹۲) الرضا (۱۰۳۱) النقی (۵۴۱) النقی (۱۹۱)
المکری (۳۹۱) القاسم (۱۸۲) عجیبه سیم اعجب از اعجب آنکه
مجموع اعداد کتبه اسماء الله علیهم السلام را اگر بشماریم و (۱۳۳) مرتبه
(۱۲) (۱۲) طرح نماییم دوازده عدد بقی مانده بدین طریق ابوالحسن
(۱۵۸) یوحنا (۱۰۱) ابوجبر (۳۶۲) ابو عبدالله (۱۵۱) ابی ابراهیم
(۲۷۱) ابوالحسن (۱۵۸) ابوجبر (۳۶۲) ابوالحسن (۱۵۸) ابومحمد
(۱۰۱) ابوالقاسم (۲۴۱) (اعجب المعایب) عجب تر از اعجب آنکه

اسماء الله اثنا عشر علیهم السلام که در توریة و صحف انبیاء مرسلین است
هرگاه جمع نماییم و (۵۸۱) مرتبه (۱۲) (۱۲) طرح نماییم دوازده
عدد بقی میماند بدین قسم ابلیا (۵۲) عیدار (۱۰۱۱) اذوییل (۷۵۷)
مناصبا (۲۲۱) حنا ع (۴۷۱) اذوما (۷۴۸) میثا (۳۵۱) (هداد) (۱۴۰۶)
قیمثا (۴۵۱) یطر (۲۱۹) لایث (۴۴۱) و قیدیه (۸۵۸)

مقام سیزدهم

در داستان بعضی از رموز اسم اعظم که از داستان علم ذر و یقینات توان حل پاره
از مشکلات سودا البته هر کس بر این اسم اقتضای او را در میدان این اسرار گوی
اسان نظر از جوکان حقیقه این اشعار نمود احاطه بنمایم اسماء ستار
و انواع نامهای ملک مختار از محیط غیر محیط و محیط غیر محیط و محیط
و محیط هر سه نمود و حول شمعنا بهاء الدین عطر الله مرقد و نور مضجعه

ای دو عالم یک امر از تو تمام	کاست از تو بتسبیح و لطام
هر چه برخواست از این تسبیح ساطع	و آنچه پیداست از این هفت رباط
همه از خود تو دارد وجود	پیش دانت بر کوع و بسجود
چون بهشتی ز تو در آثارم	چشم بر لطف عیبت دارم
ترد اهل خرد و اهل حیان	حرف جیم و عدد اوست چه جان
یعنی اسماء حروف او بود	سر دعوات مفرر نشود
اثر اسم بهر اندازه	گر به خواند بهر آوازه
هیچ شک نیست که در اسرع حال	باجایه برسد بی احوال
کنج اسمای الهی حرف است	گوهر مخزن شاهی حرف است
می و دش حرف که در گفت و شنید	کس پیمان درورش رسید
اتریش تا متناهی مداوم	مفتوح زوجه حواس و چه عوام
خارج عالم خاص جبروت	فاتح عالم ملک لا هوت
سر نبوت ازان در خطرات	جان لا هوت ازان در حذر است
نطق هر ذره ازان در قال است	داند آن هر که ز اهل حال است
نی اثر است در این عالم ملک	که کند اهل مای ادراک
هر چه پیداست در این دیر دوداد	بست بی خیره سماء الله

اسم اعظم که پان از طراست
 الف و م که اسم که در د داد
 بک از ن د شب یکی به مبر
 پدر موسی عمر چون راد
 لک مبتدئ ی هر کس
 و هر من حدود جهن
 شد از ن سم مقدس آگاه
 کف در ب صفت می سم
 که بر ده ولدی و مقدر
 سی مرسل خود سر و را
 دد و ر بری رب جمل
 لوح از برک بر اسم و صفت
 موسی از بر که ای به نامور
 عسی من به چه ر خود به موات
 هر چه در عالم از بی سم به است
 ای در آیه مدق بر ر سم
 و به چه سم که است کسی
 جبهه پیش پدر به است
 روح آدمی که شد و مدخل
 اسم خاص است که سر رحمن
 کس چه در که به سر اسم
 لفظ اسم چه کرد کسی
 فعل هر کار گشتی سر د
 چهارده حرف رسد بی سم
 دشت به است شود چون به است
 گر سحوی بر سر مدق و طبی
 حسن و مو صاحب گردد
 حمله حق بر است که نو
 همه حق حسن می گردد
 هیچ نمی شو مشک شود
 متصل نشی حدی داشت

عقلها جمله ازان بی خبر است
 هر یکی فائده می را در کار
 پدر و مادر موسی از بر
 حنی آن اسم بدختر به نام
 پدرش بود در این عالم و بی
 یالت عمران شرف و صلت آن
 که بود اعظم اسماء الله
 بحق حرمت ذات این اسم
 صاحب معرفت و علم و وفار
 از ره مرتبه بنواز او را
 که زد او حایه فرعون شیل
 رفت از مهککه آب سحات
 دقت کف از حنی و نور
 یافتند از اثر اسم حیات
 زانکه این اسم کنوز الاسماست
 بی بدل چون گهر بهوار است
 پیشی بر سر این دسترسی
 عارفان نیز بدان در قیامان
 ران توان یافت بهنج اجمال
 هست در کسر حروفش نهان
 حاصل زمره امرا راست این
 چون مادی و عدد کار گشتی
 کردی از بعضی مداما دلشاد
 اولین آنکه گشتی نو طسم
 شد گردد مددن به لال
 کتب گردد همه کتب زمیں
 اولی حمله سو بودند
 نصیر روم شود مدد نو
 که بر به است گردد
 بکر من حق رنوع عمل شود
 دیو دبی نو گردد آمد

لیک هر کس بطریق دیگر
 بر اسماء حروفش به نام
 مطلع گشته بدان کار کنند
 امر حاصلان نتوان گفت به نام
 ملتد از حسن عمل اهل کمال
 رو روند از بی اصف پدر
 در عمل عزم بدیا میکنند
 بوحو که حق اندر بوره
 حنه در سورة احمیل معوان
 هست در مصحف ماسد به مبر
 عدد یقنه اش هفتاد است
 خوانده طنوم دگر یکتا نوم
 هست مشهور عرب بر حایه
 دیلمی می کرد رقم کاشا
 نجیه قوم دگر جواهر شا
 در احادیث و روایات و خبر
 گرچه این اسم بی مشهور است
 حال عمرم چه باحر بر مبد
 از ذخائر که کنوز الاسماست
 بهر آسای از باب طلب
 خواستم تا که در این علم نکام
 لله الحمد که توفیق احد
 من در این علم بی بر دم رنج
 سر این گنج گهر بگنودم
 حوریارا همه بی سترو غاب
 بهر طلاب گنودم سر گنج
 گوهر از کان عمل به نمودم
 نزد مردیکه از این مددن خاص
 عمل خیر به بنیاد میکند
 غرض ایست که آردب طلب
 این قواعد چه سراسر خوانند

دارد از حالت این اسم خبر
 نتوان گفت مبادا که عوام
 حلق را بیده آزار کنند
 تا بیاد آتش جاهل جام
 چه بیاند از این اسم محال
 وز بدیا به ماستند حیدر
 فکر در باب ردیا میکند
 در مصحف که حدیث بحوب
 بدستی که همان است همان
 در میهای سور در حیم
 این هم از قاعده استاد است
 مفری گات که هست او هنوم
 صحنی می گفت و را بر حایه
 باز جمعی دیگرش را حایه
 هست موحایه دگر طهر شا
 هر یکی راست طریق دیگر
 لیکن این اسم چنین مطور است
 فکرتم پرده آرای رمز کنند
 بنده این اسم در آوردم راست
 کردم اینکار به آداب و ادب
 بشم بر قدم مردان کام
 داد و ر بی هر دم دم مدد
 که طلسمات گنودم زین گنج
 گوهرش بین که عیان بنمودم
 بنمودم بر شکل احباب
 مدد رین گنج بودم بی راج
 پرده از چهره او بگنودم
 گوهرش را چه بدید بحواس
 از بهائی مدد به بد میکند
 نکند و بی مقصود نم
 بهر به فاجعه بر خوانند

چون در این اسم باشد اثر
ای که خواهی بودت علم و عمل
گوش جان مارکی و دیده دل
گر ز من بفرم من است
معجم گوهر گوش دل کی
اگر ز علم بی نهی
بهر طایب از این سحر شرف
من از این طبع درم سقی
در رموز که فکرم حل است
اسم او ۵۰ سور قرآنی
هشت حرف است سرس و طم
قطعه اش ورده ردوی حمل
اولش میوه و چهارم لام است
طوبه آخر شش حرف در او
در سحرها بعد از سحر دل است
اولش همد آفرین است
قلب او باطن خوشه است
شامل کنی و در حروف
مخرج فیه اش هفتاد است
حوله ابدل که باید بر در
ای پانی چه و اس کشف رموز
بیش از این کشف بر زده اش
هر که هفت این حدیث هست
دم فروید که اهل شرف
من شوقی خداوند معبود
اصل و فرعی سمود بهر دور
به پانی همه از صدق و صدا
(انتهی کلامه رفع مقامه بقول متشکرا
لا ای طوطی گوی ای سرار
سرس و طم خوش و دود
سحر سرست کفنی بهر حدیث)

نمود از ده اصناف بدو
نشد مشکلی از این علمت حل
تا کنم بهر روح این مشکل
بر گشا گوش که وقت سخن است
گوهر گوش خرد حاصل کن
بی تمام سببی می خواهی
کاملان راست در او چند مکرر
خواندم در بر ایشان ورفی
از عطای نبی و ولی است
مناوی است اسکر میدانی
بسط حرفش چهل گشته تمام
هست چون مدخل باطمان
میش شیره در این ایام است
لکته سنجی که طعمد بیکو
در سر آیه از الفال است
متصل در وسط یاسین است
فتح و صفت همگی نور صیانت
جمع غیب از حروف
این همه فاعله است
لکته فرش رموزات طمیز
کردی و بقی و نقد کوز
در پنهان کرو و غبار جانی
در حدیث از این غایت هست
نور رس روشن حدیث حیر
بالمیان را سمودم دستور
فشی کردم همه قد کور
نکند از ره احلاص دعا
بجمع الحلات و مترساة لایات
صدا خلیب شکر و منقار
که خوش فشی بودی از حطاب
خدا را رس معا پرده بردار

﴿ فتصلی شاه منصور از مرحوم حجة الاسلام شفتی این شعر خواجهر را سؤال نمود ﴾

طلی برگ گلی خوش رنگ در منقار داشت
و ندران برگ و نوا خوش تاله های زار داشت
﴿ سید اعلی الله مقامه در جواب فرمود ﴾

صاحب در حالیکه این بنده غم بسیار داشت
مادم آمد زان سؤالی کان عزیز اظهار داشت
مطلب خواجهر از این آياچه میباشد که گفت
طلی برگ گلی خوش رنگ در منقار داشت
فحشر بسیاری نمودم لیك معلوم شد
زانکه در شمرش بطون اسرارها بسیار داشت
بسم شب غوامس گردیدم بیچاره احدی
تا ببینم این صدف آیا چه در دربار داشت
طلی برگ گلی شد سبزو پنبه دشت
با علی با حسین با حسن بسیار داشت
برگ گل باشد نشان از حالت شاه حسن
زانکه در وقت شهادت سبز در منقار داشت
بللی باشد علی گز حسرت آن برگ گل
روز شب اندر من خوش تاله های زار داشت
رنگ گل باشد نشان از حال شاه کرمان
چونکه در وقت شهادت عارض گلزار داشت
این حساب ابجدی و این دابل طاهری
این سخن را مدعی دیگر چرا انکار داشت

﴿ مقام چهاردهم ﴾

در رموز زیر آیات قرآنی و کنوز یتات انوار فراتیه است یا به مدینه العلم
در نهج البلاغه فرماید (ان القرآن طاهره ایق و باطنه عمیق لایقنی عیاشه ولا
ینقضی غرابیه و لایکتشف الطلمات الایه) همانا قرآن طاهرش عجیب است و باطنش
عمیق و ای نمیتود عیاش آن و از میان نمیرود غرائب آن و روشن میشود
در تکیه الاسرار (و در موضع دیگر در کتاب مسطور فرماید) (ان هذا
القرآن هو الهمم الی لایمن والهدی الی لایضل والمحدث الی لایکذب)

همانکه آن صاحب است که در پیش حق الازد و هدایه کننده نیست که گمراه
 میکند و محدث است که دروغ میگوید پس مطالعه مانند گمان منصفین مدینه
 بصیرت و انصاف بدون رشک و اعتصاف در عجایب معجزات زاهرات و غرائب
 اسرار زاهرات اگر بر گشایند و اشارات ربانیه و کلمات سبحانیه را از روی
 قانون قاهر و قاعده لاطمه یقین آسان نظر نمایند بیایند که تمام آیات رحمت
 ناطق بحقایق اهل عصمت است چنانچه در عکس طرد است و عدم راجع اب کانی
 و ملزم مکنی است با ملاحظه طایفه مرقومه بطریق ماعده الحلو و بدل و هوامردم علیل
 واقع بقول الحق وهو یهدی السبیل (تفسیر ابوالفتح) (تفسیر اهل بیت)
 [تفسیر امام فخر رازی] [تفسیر ابن مبارک] [تفسیر ابومحمود] [تفسیر احمد حنبل]
 [تفسیر برهان] و [تفسیر ضیاع النادی] قالیقین سید هاشم بحرینی (تفسیر لیلین)
 (تفسیر نوری) (تفسیر جامع لیلین) (تفسیر حواهر القرآن) (تفسیر جامع)
 (تفسیر حقیق البیّن) (تفسیر حیدر طویل) (تفسیر حلیة الاولیاء) (تفسیر حافظ
 محمد شبرزی) [تفسیر خلاصة المنهج] [تفسیر سیدی] (ای دیرو به دیاری در کتب
 فردوس) [تفسیر طبری] [تفسیر علی بن ابراهیم] (تفسیر عسکری علیه السلام)
 (تفسیر علی بن احمد و حدی) (تفسیر کشف) (تفسیر معالم التنزیل) (تفسیر منہج
 الصادقین) (تفسیر مجاهد) (تفسیر وکیع ابن جراح) (تفسیر ابن مسعود) (تفسیر
 سلی) (مناب طبیب حواری) (تفسیر کشاف) (تفسیر طبری) (روح البیان)
 (تفسیر کشف لیلین) (زول القرآن) و این خادم فانی چند آیه از آراء کرمی نماید
 و انما مکتوبه مدونه معروفه را لوحه الله بر عهد و دل مدرم بافتوب بمشوره
 از انبار اسرار مکتوبه معروفه باشد که کثرت در شجری ز بهر اسرار که در
 لسان اخبار ساری شده و نرسیده بی اسکاخر و نزدی طبیب مدیم (تفسیر طبرستان)
 لوحه الله و ما رمد مکمل جزاء ولا شکور) و این طبعیست که ارواح

و انشد سیره ما و حیات ما فیه باشد ولی مأمول و مرحور از ناظرین چنان است که
 تدبر و تفکر در آیات قرآنیه نمایند و اعتبار بگیرند چه قرآن ابلغ است در کشف
 اعتبارات و عبر مولى امیر المؤمنین علیه السلام فرماید (تدبر آیات القرآن
 و اعتبر به لا یطع العبر) و میگوید آن را مگر از لسان حق وهو یوحى و یوحى
 (طبل از قیص نو آموخت سخن ور نه نبود این همه قول و غزل تیبیه در منقارش)
 و آن مشتمل است بر (هفتاد و سه آیه)

﴿ آیه اول ﴾

در سورة فاتحه (الحمد لله رب العالمین) زیرا او (۵۸۳) محمد علی
 فاطمه حسن حسین (۵۸۳)

﴿ آیه دوم ﴾

(اهدنا الصراط المستقیم) زیر (الصراط المستقیم) (۱۰۱۲) حب رسول الله الاحد
 و علی بن ابی طالب و الحسن و الحسین و اولاده (۱۰۱۲) یثبات (الصراط المستقیم)
 (۱۶۷۴) حب نبی الله و ولیه الزکی و انبیا و علی و محمد و جعفر و موسی و علی
 و محمد و علی و الحسن و مهدی الهادی (۱۶۷۴)

﴿ آیه سیم ﴾

در سورة بقره (الذین یؤمنون بحیث و یقیمون اصلوة و یؤتوا زکواتهم یتقون)
 زیر (الغیب) (۱۰۴۳) امام الحاشم باحق ابو القاسم محمد بن الحسن المهدی الهادی
 (۱۰۴۳) یثبات (الغیب) (۲۱۳) حبیب و دود محمد مهدی الهادی (۲۱۳)
 (ایضا) هو الهادی محمد مهدی (۱۲۱۳)

﴿ آیه چهارم ﴾

(والذین یؤمنون بما انزل الیک و ما انزل من قبلك و بالآخرة هم یوقنون)
 زیر (ما انزل) (۱۲۹) و خود علی (۱۲۹)

آية پنجم

(فلقی آدم من ربه كلمات فتاب عليه انه هو التواب الرحيم)
 زر (كلمات) (٤٩١) محمد وعلى بن ابي طالب والها واولادهم (٤٩١) يثبت
 (كلمات) (٢٨٣) محمد حبيب وعلى واولاده (٢٨٣) مجموع زرويته (٧٧٤)
 وهي محمد وعلى والفاطمه والحسن والحسين واولاده (٧٧٤)

آية ششم

(واقموا الصلوة و آتوا الزكوة واركبوا مع الراكبين)
 [الراكبين] [٣٨٢] محمد بنى وعلى ولي الله (٣٨٢) يثبت (الراكبين) (٣٩٠)
 محمد حبيب بنى الله وعلى هدى ولي الله (٤٦٠)

آية هفتم

(واذا بقلی ابراهيم ربه بكلمات فاتم من قال انى جاعلك للناس
 اماما قال ومن ذريتى قال لا ينال عهدى الظالمين)
 (٩١٥) الحبيب محمد بنى الله وعلى بن ابي طالب والها الصومين (٩١٥)

آية هشتم

(ومن الناس من يشرى نفسه ابتغاء مرضات الله والله رؤف بالباد)
 زر (من يشرى نفسه) (٨٠٥) حاكم الهادى وصى رسول الله على بن ابي طالب
 (٨٠٥) يثبت (من يشرى نفسه) (٢٨٧) هادى الوهاب على ولي الله (٢٨٧)

آية نهم

(الذين ينفقون اموالهم بالليل والنهار سرا وعلانية فلهم اجرهم
 عند ربهم ولا خوف عليهم ولا هم يحزنون) زر (الذين) وضمير
 (الوالهم) (٨٣٩) ولى عادل وصى رسول الله على بن ابي طالب (٨٣٩)
 يثبت (الديهم) (٢٩٠) الرضى على ولي الله (٢٩٠)

آية دهم

(يريد الله بكم اليسر ولا يريد بكم العسر) زر (سر) (٢٧٠) على بن ابي طالب
 واولاده (٢٧٠) (عن العباس عن الصادق عن ابي جعفر عن ابي عبد الله
 ولا يريد بكم العسر بل اليسر على ابي جعفر واولادهم واولادهم واولادهم
 فى اولادهم واولادهم) اى من يدخل فى اولادهم واولادهم واولادهم
 آية يازدهم

درسورة آل عمران (وما يعلم تاويله الا الله والراسخون فى العلم يقولون
 آتانا به كل من عند ربنا) زر (والراسخون فى العلم) (١٢١٥) محمد المصطفى
 حبيب الله وهاى على ولي الله والحسن والحسين واولادهم (١٢١٥) يثبت
 (والراسخون فى العلم) [١٢١٧] محمد المصطفى وهاى على بن ابي طالب (١٢١٧)

آية دوازدهم

(وما يذكر الا اولوا الالباب) زر (اولوا الالباب) (١١١) يثبت
 (اولوا الالباب) (٦٨٩) مجموع زرويته (٨٠٠) اى مبتدأ محمد بنى الله
 وعلى بن ابي طالب والها واولادهم (٨٠٠)

آية سيزدهم

(شهد الله انه لا اله الا هو والملائكة واولوا العلم قائما بالقسط لا اله الا
 هو العزيز الحكيم) زر (اولوا العلم) [٢١٥] على عادل [٢١٥] على عادل [٢١٥]
 يثبت (اولوا العلم) (٥٤٨) محمد بنى الله والهاى على بن ابي طالب والها (٥٤٨)

آية چهاردهم

(ان الله اصطفى آدم ونوحا و آل ابراهيم و آل عمران على العالمين
 ذرية بعضها من بعض والله سميع عليم) زر (آل ابراهيم) (٢٨٩)
 حبيب الله الحكيم محمد (٢٨٩) يثبت (آل ابراهيم) (٣١٥) محمد المصطفى

حبيب الله (٣١٥) زير آل عمران (٣٩٢) مولانا على ولي الله وآله (٣٩٢)
 يثبات (آل عمران) (٣٢٨) الإمام الهادي على ولي الله وآله (٤٢٨) رر (ذرية)
 (٩١٥) الحبيب محمد رسول الله والوكيل على ولي الله والهما (٩١٥) يثبات
 (ذرية) (٣٤) مجموع رر وثنه (٩٤٩) الداعي محمد بن علي بن أبي طالب
 وأولاده المصومين (٩٤٩) زير (مضاهن مض) (١٨٤٠) الداعي محمد المصطفى
 رسول الله والمطهر على بن أبي طالب ولي الله وأولاده المصومين (١٨٤٠)
 يثبات (مضاهن مض) (٣٣٩) محمد وعلى ولي وآله وأولاده (٣٤٩)
 مجموع زير وثنه (٢١٨٩) الملقب محمد بن علي وعلى والحسن والحسين وعلى
 ومحمد وحضر موسى وعلى ومحمد وعلى والحسن ومحمد بن الحسن (٢١٨٩)
 (أيضا) محمد المصطفى وولته على المرتضى وأناهما والهما (٢١٨٩)

﴿ آية ياتردهم ﴾

(فمن حاجك فيه من بعد ما جئتك من العلم فقل تعالوا ندع ابننا وابنناكم
 ونسائنا وبناتكم وأنفسنا وانفسكم ثم نتل فنجعل لعنة الله على الكاذبين)
 زير (سائ) (١٠٦) يثبات (سائ) (٥٥٣) مجموع (٦٥٩) المطهر بن الحسن
 والحسين (٦٥٩) يثبات (٥٥٣) مندرج وأهمل الحسن والحسين (٥٥٣)
 زير (سائ) (١٦٢) يثبات (سائ) (٥٠٦) مجموع (٦٦٨) أم الأئمة النجباء
 الهداة في الله فاطمة آية الله (٦٦٨) زير (أفنا) (٢٣٢) على هادي ولي الله
 (٢٣٢) يثبات (ع) (٣٩٣) نفس نبي على (٣٩٣) مجموع زير وثنات
 (٦٣٥) نفس حبيب الله بالصالح على (٦٣٥)

﴿ آية شازدهم ﴾

(واعتصموا بحبل الله جميعا) زير [حبل الله] (١٠٦) يثبات (حبل الله)
 (٢٣٦) مجموع رر وثنات (٢٣٢) محمد وولته علي والهما (٢٣٢)

﴿ آية هفدهم ﴾

(الذين يفتقون في السراء والضراء) زير (الذين يفتقون) (١٠٨٧)
 محمد على فاطمة حسن والحسين أولاده الطهين الطاهرين (١٠٨٧)

﴿ آية هيجدهم ﴾

(والكاظمين الفيتا والمافين عن الناس) رر (والكاظمين الفيتا والمافين
 عن الناس) (٣٥٠٩) حبيب الله محمد وآله علي والحسن والحسين
 وعلي بن الحسين ومحمد بن علي وحضر بن محمد وموسى بن جعفر وعلي بن موسى
 ومحمد بن علي وعلي بن محمد والحسن بن علي ومحمد الهادي [٣٥٠٩]

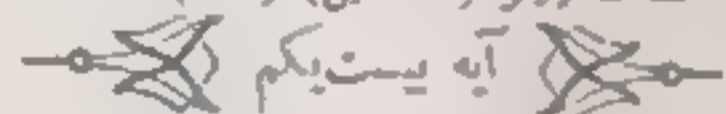
﴿ آية نوزدهم ﴾

در سورة ساء (يا ايها الذين آمنوا اطيعوا الله واطيعوا الرسول واولى
 الامر منكم) زير (اولى الامر) (٣١٩) الولي الحادي على وآله (٣١٩)
 يثبات (اولى الامر) (٤٧١) الحاكم على بن أبي طالب ولي الله وآله (٣٧١)

﴿ آية يستم ﴾

(ومن يطع الله والرسول فأولئك هم الذين انعم الله عليهم من المؤمنين
 والصدّيقين والشهداء والصالحين وحسن أولئك رفيقا) زير
 [من اليقين] (٢٣٢) المبين محمد [٢٣٢] يثبات (من اليقين) (٣٧٢) الهادي
 مالحق محمد حبيب الله (٣٧٢) مجموع زير وثنات (٦١٥) الداعي الحواد
 محمد رسول الله (٦١٥) زير (والصدّيقين) (٣٠١) هادي حادي على ولي الله
 (٣٠١) يثبات (والصدّيقين) (٢٣٢) على علي ولي الله (٢٣٢) مجموع زير
 وثنات (٦٣٣) الإمام الصادق الوالي على بن أبي طالب (٦٣٣) زير (والشهداء)
 (٣٤٨) يثبات (والشهداء) (٤٧٠) مجموع زير وثنات (٨١٨) الامامين الاخيرين
 البطين الحسن والحسين [٨١٨] زير (والصالحين) (٢٢٦) يثبات (والصالحين)

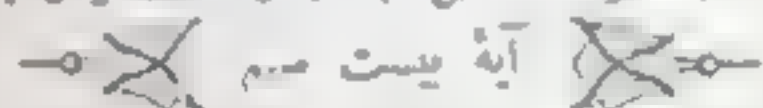
(٣٧٧) مجموع (٥٩٨) حبيب هادي زين العابدين علي بن الحسين (٥٩٨)
از زين و ثقات حذيقين و شهداء و صالحين در اين آيه عريفه و حجة مفيدة و اوصاف
بهار عرفان چون صاحب معيشي الاعيان اسامي ياكثا ثمانية عشر را معلق نموده اند
چنانچه در روايت عمرون ثبات ازيفنة (والصديقين) بهمان دستور و طو را است
واز (عهداء) جعفر و حمزة ميرون آورده اند و از (الصالحين) امام حسن و امام حسين
استخراج نموده اند و روايتي از (عهداء) اسامي امام حسن و امام حسين
و حمزة و جعفر هريك عليه السلام و از (الصالحين) اسامي سلمان
و حابر و عمار گنات و زير (الصالحين) (٢٢٠) مقدار اسود (٢٢٠)



در سورة مائده (اليوم اكملت لكم دينكم و اتممت عليكم نعمتي و رضيت
لكم الاسلام ديناً) زير (دين) (٦٤) ثقات (دين) (٨٨) مجموع (١٥٢) زير
(حمه) (١٦٥) ثقات (حمه) (١٦٧) مجموع (٣٣٢) اي ولاية المولى علي و اله (٣٣٢)
حذيقين آيه يست دويم

(يا ايها الذين آمنوا من يرتد منكم عن دينه فسوف ياتي الله بقوم
يحبهم و يحبونه اذلة على المؤمنين اعزة على الكافرين يجاهدون
في سبيل الله و لا يخافون لومة لائم ذلك فضل الله يؤتيه من يشاء
و الله غني عليم) زير (قوم) (١٤٦) حبيب و اهب علي (١٤٦) ثقات
(١٣٨) و اهب و اجد علي (١٣٨) مجموع زير و ثقات (٢٨٤)
حبيب هادي لامين علي (٢٨٤) زير (ادله) (٧٣٦) الامام الموحدين و لي الله
الجميع علي بن ابي طالب (٧٣٦) ثقات (ادله) (١٨٣) حبيب الهادي علي (١٨٣)
مجموع زير و ثقات (٩١٩) الامام الموحدين الستة الوصيين حبيب الداعي علي بن
ابي طالب (٩١٩) زير (عزه) (٨٣) ولي زكي (٨٣) ثقات (عزه) (١٧٢)

علي حبيب (١٧٢) مجموع زير و ثقات (٢٥٥) المولى الزكي علي (٢٥٥) زير
(بجاهدون) (٧٩) ولي هادي احد (٧٩) ثقات (٢٥٦) هادي و اهب علي و لي الله
(٢٥٦) زير (لا يهاون) (٧٧٨) ناصر الاولياء الحبيب علي و لي الله و اله (٧٧٨)
ثقات او (٣٢٧) الدليل علي و لي الله (٣٢٧) مجموع زير و ثقات
(لا يهاون) (١١٠٥) (نوع ديكر) در وصف امام جعفر العالم حبيب الحسن
ارواح العالمين فله ارحمين آية عريفه مذكوره زير و ثقات (قوم) (٢٨٤)
محمد الهادي بالحق (٢٨٤) زير و ثقات (ادله) (٩١٩) الحبيب المظهر الموعود
ابن الحسن (م ح م د) المهدي (٩١٩) زير و ثقات (عزه) (٢٥٥)
معتني محمد الحبيب (٢٥٥) زير و ثقات (بجاهدون) (٢٣٥) امام محمد المهدي
و محبيه (٢٣٥) زير و ثقات (لا يهاون) (١١٠٥) الدائم الدائم الموعود بالحق
امام (م ح م د) الحسن الهادي و اصحابه (١١٠٥) علي بن ابراهيم در
تفسير خود اشاره نموده كه اين آيه در حق صاحب الزمان عليه السلام است



(انما وليكم الله و رسوله و الذين آمنوا الذين يقيمون الصلوة
و يؤتوا الزكاة و هم راكعون) زير (اسا) (٩٢) محمد (٩٢) ثقات
(اسا) (٣٢٦) وصى بحق علي (٣٢٦) زير (ولتكنم) (١٠٦) مجموع
زير (اسا و لتكنم) (١٩٨) هادي الزكي علي (١٩٨) ثقات (اسا و لتكنم)
(٥١٦) وصى محمد مولى علي و لي الله (٥١٦) زير و ثقات (ولتكنم)
(٢٨٦) اول الاوصياء علي (٢٨٦) زير (له و رسوله) (٣٧٣) ثقات
(له و رسوله) (٣١٠) مجموع زير و ثقات (٩٨٣) نص الله الهادي المبدئي
الودود و سيد النبي الامي (٩٨٣) زير (والذين آمنوا الذين يقيمون الصلوة
و يؤتوا الزكاة و هم راكعون) (٣٠٠٩) غالب كل غالب و مطلوب كله

طالب الشقيع على بن ابي طالب (٣٠٠٩) (اذا) الوصى بحق بعد رسول الله
على ولي الله والبطين الحسن والحسين وعلى ومحمد وحضر موسى وعلى
ومحمد وعلى والحسن (٣٠٠٩) بن الحسن المهدي الهادي (٣٠٠٩) يثبات
(والذين امنوا الذين يقيمون الصلوة ويؤتون الزكاة وهم راكعون)
(١٩١٢) على بن ابي طالب والبطين الحسن والحسين وعلى ومحمد
وحضر موسى وعلى ومحمد وعلى والحسن ومهدي هادي (١٩١٢)
(اذا) امام الهادي بالحق والوصي بعد رسول الله بالنبي الحلي بلا اصل
الابن ابن ابي طالب على واولاده اجتمع (١٩١٢) مجموع زير وثبات
(والذين امنوا الذين يقيمون الصلوة ويؤتون الزكاة وهم راكعون)
(١٩٢١) الامام بالحق والوصي بعد رسول الله بالنبي الحلي هازم الاحزاب
على بن ابي طالب والبطين الحسن والحسين وعلى بن الحسين ومحمد
بن علي وجعفر بن محمد وموسى بن جعفر وعلى بن موسى ومحمد بن علي
وعلى بن محمد والحسن بن علي و (٣٠٠٩) بن الحسن (١٩٢١)

﴿ آية يست جهارم ﴾

(يا ايها الرسول بلغ ما انزل اليك من ربك وازم تفعل فما بلغت
رسالة واقبضك من الناس اذ الله لا يهدي القوم الكافرين)
زير (ما نزل اليك من ربك) (٥٠٢) امام هازم الاحزاب على بن ابي طالب
والله واولاده (٥٠٢) شد (ما نزل اليك من ربك) (٧٩٠) امام
مزي القلوب حبيب حبيب الله على ولي الله وآله واولاده (٧٩٠) مجموع
زير وثبات (١٢٩٢) هو حبيب الله على ولي الله وايضا بالنبي الهادي (١٢٩٢)
(ايضا) ان عبد ولي الله بن الحلي بعد رسول الله الهادي مولى المؤمنين (١٢٩٢)

﴿ آية يست يجمع ﴾

در سورة اسام (وان اقيموا الصلوة واتقوا وهو الذي اليه تحشرون)
زير (الصلوة) (١٦٢) ولاية على (١٦٢) السلام (١٦٢)

﴿ آية يست ششم ﴾

(فالتق الاصباح وجعل الليل سكنا والشمس واتممر حجابنا ذلك
تقدير العزيز العظيم) زير (الشمس) (٣٣١) نبي الصادق الهادي محمد
(٤٣١) يثبات (الشمس) (٣٣١) داعي الهادي الحميد محمد (٣٣١)
مجموع زير وثبات (٧٥٢) داعي الهادي الوالي الحبيب محمد رسول الله
(٧٥٢) زير (الشمس) (٣٣١) حبيب الامين على بن ابي طالب (٣٣١)
ثبات (الشمس) (٢٨٣) ولي هادي على بن ابي طالب (٢٨٣) مجموع
زير وثبات (٦٥٣) السيد المنور على ولي الله (٦٥٤)

﴿ آية يست هفتم ﴾

(وهو الذي جعل لكم الجوم لتشهدوا بها في ظلمات البر والبحر قد فعلنا
الايات اقوم يمامون) زير (لحوم) (١٣٠) بيت (لحوم) (٣١٤)
مجموع (٤٤٤) ابي اولاد على بن ابي طالب (٣٣٤)

﴿ آية يست هشتم ﴾

در سورة اعراف (ونادي اصحاب الجنة اصحاب النار ان قد وجدنا ما
وعدنا ربنا حقا فهل وجدتم ما وعد ربكم حقا قالوا نعم فاذن مؤذن
يبهم ان لعتن الله على الظالمين) زير (مؤذن) (٧٩٦) حبيب القراء الجامع
على بن ابي طالب (٧٩٦) بيت (مؤذن) (١٤٤) هادي حواد على (١٣٤)
مجموع زير وثبات (٩٤٠) زكي وواقف الاسرار على بن ابي طالب (٩٤٠)

﴿ آية يست نهم ﴾

(وعلى الاعراف رجال يرفعون كل بسيماهم) زير (رجال يرفعون)

(۱۵۰) بینات او (۳۲۸) مجموع زیر بینات (۹۷۸) العیوب محمد
وسول الله والاعقاب علی وای الله والهنا (۹۷۸) ایضا الحاکم الوکیل
علی بن ابی طالب وعباس وحمزه وجعفر (۹۷۸)

آیه سیام

(وَمِنْ خَلْقِنَا أُمَّةً يُدْعُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ) زمر (٤٦) يَتَنَاتِ أَوْ
(١٦١) مَجْمُوعٌ زمر وَيَتَنَاتِ (٢٠٧) الْوَكِيلُ عَلَى (٢٠٧)

— آیہ ویکم —

سورۋاھال(ھوالذی ایدک بنصرہ وبالدؤمنین) ذر(لؤمنین)(۲۲۷)
الدوا علی(۲۲۷)ینات(الدؤمنین)(۳۷۱) حبیب حبیب الاحد علی س ای طالب
(۳۷۱)محوغ ذیر وینات(الدؤمنین)(۵۹۸) الصبر علی س ای طالب(۵۹۸)

— (آیہ سی و دوم) —

فَيَذَرُوهَا كَالْحِثَاءِ (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّبِعُوا مَا يَأْمُرُكُمْ فَتُحِبُّوا اللَّهَ وَمَنْ يُحِبَّ اللَّهَ يُحِبَّكُمْ وَاللَّهُ يُؤْتِ الْمَنُومِينَ ثَلَاثِينَ أَضْعَافًا مَّا سَأَلُوا لَهُ مِنْهُمُ الثَّمَرَاتِ)

— آہستی و سبب —

سورته (والسابقون لأولون من المهاجرين والانصار والذين اتبعوهم
ياحسان رضوان الله عنهم ورضوانه واعد لهم جنات تجري
من تحتها الأنهار خالدون فيها أبدا ذلك الفوز العظيم) (الافون)
(٢٥٠) واهب واحد جواد على ولي الله (٢٥٠) بنت السافون (٣٦٦)
الوصى الوالى بالحق على (٤٦٦) مجموع زير وينات (الافون) (٧١٦)
الوصى رسول الله صلى الله عليه وآله (٧١٦) بنت السافون (٤٠٣)
وام المؤمنين (٧١٦) (وجه دبير) زير (السافون) (١٩٤) بنت (السافون) (٤٠٣)
مجموع زير وينات (٥٩٧) الوصى بحق امام الهادي على بن ابي طالب (٥٩٧)

— آیہ سی و چہارم —

(یا ایہا الذین آمنوا اتقواہ وکونوا مع الصادقین)
 (زیر (الصادقین) (۷۸۶) حبیب والی علی بن ابی طالب (۲۸۶) یتات
 (الصادقین) (۱۳۵) امام بحق وحادی علی بن ابی طالب (۴۳۵) مجموع
 زیر ویتات (۷۲۱) سیندا علی بن ابی طالب وآلہ المعصومین | (۷۲۱)
 (وع دیگر) زیر (الصادق) (۷۲۶) یتات (الصادق) (۳۷۸) مجموع
 زیر ویتات (۶۰۳) الامام المبین بالحق علی بن ابی طالب (۶۰۳)

❖ آیہ سی و پنجم ❖

سورة یونس [افمن یمدی الی الحق الحق ان یتبع امن لا یمدی الا ان یمدی فبالکم کیف تحکون] ذر (من یمدی) (۱۱۹) بنات (من یمدی) (۱۲۰) مجموع ذر و بنات (۲۵۹) علی بن ابی طالب وآله (۲۵۹)

﴿ آیه سی و هشتم ﴾

(قل بفضل الله وبرحمته فبذلك فليفرحوا هو خير مما يجمعون)
 زبر (فضل الله) [٩٧٨] بين المولى حبيب الفقراء محمد المصطفى (٩٧٨)
 نبات (ماصل الله) [٢١٤] سي اله الهادي محمد (٢١٤) (ايضا) ابو القاسم (٢١٤)
 زبر (برحمته) (٦٥٥) الامام العالم المعز علي ولي الله (٦٥٥) نبات (برحمته)
 (٥٥) مجموع زبر ونبات (٧١٠) امام العالم الكامل المولى علي بن ابي طالب (٧١٠)

(آیة سی و ہفتم)

(الا ان اولياء الله لا خوف عليهم ولا هم يحزنون) زير (اولياء الله)
(۱۱۵) يَتَنَات (اولياء الله) (۵۷۲) مجموع زير ويقات (۶۸۷) عز الاولياء
وعون الاموياء ابن ابي طالب على (۶۸۲) (ايضا) اطهر الاولياء وسرور
على بن ابي طالب والاه (۶۸۲) (جوع ديگر) علي واولاده وتابهم (۶۸۷)

آية سي و هشتم

سورة هود (افمن كان على يثنه من ربه ويثله شاهد منه) زير (من كان على يثنه)
(٣٣٨) الطاهر محمد (٣٣٨) يثات (من كان على يثنه) (٥١٤) الاعز محمد
العربي (٥١٤) مجموع زير و يثات (٨٥٢) الامي المكي المدني نبي الاله محمد
العربي (٨٥٢) (ايضا) زكي الامي محمد القرشي (٨٥٢) زير (يثله شاهد)
(٧٦١) مبتدا ومولاه المطهر علي بن ابي طالب (٧٦١) يثات (يثله شاهد)
(٢٥٣) الوكيل علي ولي (٢٥٣) مجموع زير و يثات (١٠١٣) امام الامين
وصي رسول الله حبيب حبيب الله على ولي الله (١٠١٣)

﴿ آية سي ونهم ﴾

سورة رعد (ويقول الذين كبروا لولا انزل عليه آية من ربه انما انت
متذرو لكل قوم هاد) زير (متذر) (٩٩٠) مزين القلوب محمد المصطفى
رسول الله (٩٩٠) يثات (متذر) (١٣٨) هو حبيب احمد محمد (١٣٨)
مجموع زير و يثات (١١٢٨) الكامل الهادي ابو القاسم محمد المصطفى
ولحق به هاد (١١٢٨) زير (هـ) (١٠) يثات (هـ) (١٤٢)
مجموع زير و يثات (١٥٢) هو المكي (١٥٢) ايضا على وآله (١٥٢)

﴿ آية جهام ﴾

(قل كفى بالله شهيدا سي وبيكم ومن عنده علم الكتاب) زير (من عنده)
(٢١٩) على الاعز (٢١٩) يثات (من عنده) (٢٥٤) امام حميد علي (٢٥٩)
مجموع زير و يثات (٤٧٣) صاحب لوا وولي الله على بن ابي طالب (٣٧٣)

﴿ آية جهل يكتم ﴾

سورة انبياء (فاستلوا اهل الذكر ان كنتم لا تعلمون) زير [اهل الذكر] [٩٨٧]
محمد رسول الله وواهب واحد حوادعي والها الطاهرين (٩٨٧) يثات

(اهل الذكر) (٤١٦) سيد محمد وعلي والها (٣١٦) مجموع زير و يثات
(١٤٠٣) محمد رسول الله وعلي بن ابي طالب والها المصومين الطاهرين (١٣٠٣)

﴿ آية جهل دزم ﴾

سورة فرقان (وهو الذي خلق من الماء بشرا فجعله نسبا وصهرا وكان
ربك قديرا) زير (سوا وصهرا) (٣١٥) يثات او (٣٥١) مجموع (٧٦٦)
زوج زهرا وابن عم بي هادي دين علي ولي الله (٧٦٦)
﴿ آية جهل سيم ﴾

سورة نمل (من جاء بالحسنة فله خير منها و هو من فزع يؤمنه آمنون)
زير (الحسنة) (١٥٤) حبيبي واهب علي (١٥٤) يثات او (٢٦٩) حبيبي
ابي طالب وآله (٢٦٩) مجموع زير و يثات (٣٢٣) حبيبي العادل علي وآله (٣٢٣)
﴿ آية جهل چهارم ﴾

سورة سجده (افمن كان مؤمنا كمن كان فاسقا لا يستنوي) زير
(من كان مؤمنا) (٢٩٨) ولي الاعلى علي (٢٩٨) يثات او (٦٢٦) امام عادل ووصي
بالحق علي بن ابي طالب (٦٢٦) مجموع زير و يثات (٩٢٤) الامام الحاكم
بالحق والوصي المطابق علي بن ابي طالب (٩٢٤)

﴿ آية جهل تنجم ﴾

سورة احزاب (من المؤمنين رجال صدقوا ما عاهدوا الله عليه فنتهم
من قضي نحبهم ومنهم من ينتظر وما بدلوا تبديلا) زير (من المؤمنين
رجال) (٥٥١) ولي الله حواد وحزوه وحزوه (٥٥١) يثات (من المؤمنين
رجال) (٦٧٩) امام حميد علي وحزوه وحزوه (٦٧٩) مجموع زير و يثات (١٢٣٠)
حولا علي بن ابي طالب وحزوه بن عبدالمطلب وحزوه طيار (١٢٣٠) زير
(من قضي نحبهم) (١٠٦٥) يثات او (٢٥٢) مجموع زير و يثات (١٣١٧)

عم رسول الله الزكي حمزه وابن عمه جعفر طيار (١٣١٧) زير (من يتطير)
(١٦٥٠) يثبات او (١٦٦) مجموع زير ويثبات (١٨١٦) ابي الاسفيا
موسى الفقراء والمساكين حبيب حبيب رب العالمين علي بن ابي طالب (١٨١٦)

﴿ آية چهل ششم ﴾

(انما يريد الله ليذهب عنكم الرجس اهل البيت ويطهركم تطهيرا)
زير (عنكم اهل البيت) (٦٥٩) يثبات او (٥٥٣) مجموع زير ويثبات
(١٢١٢) امام الوهاب علي ولي الله واطمحه والبطين الحسن والحسين
واولاد الحسين (١٢١٢) تفصيل آن در مقدم دهم گذشت

﴿ آية چهل هفتم ﴾

سورده مرا ثمة اورث الكتاب لذين اسطعنا من عبادنا فمنهم ظالم لنفسه
ومنهم مقتصد ومنهم سابق بخيرات باذن الله ذلك هو الفضل الكبير
در (سابق باحد) (١٢٠٦) سر لاك رحم الله علي ولي الله
وولاده (١٤٠٧) شدت (سابق باحد) (٥١٨) لعنه الله علي من
بي طالب وولاده (٥١٨) مجموع در (سابق) (١٩٢٥) حسب لاعداء
و (سر لاك) رحم الله علي من بي طالب وولاده (١٩٢٥) (س)
علي بن ابي طالب والحسن والحسين وعلي ومحمد وحضر وموسى وعلي
ومحمد وعلي والحسن و (م ج د) مدي الهدي (١٩٢٥)

﴿ آية چهل هشتم ﴾

سورة والصدقات وقصروهم انهم مسؤولون در (مؤنون) (١٩٣)
حب علي هادي وولاده (١٩٣) شدت (مؤنون) (٣٣١) هو حب الهدي
علي بن ابي طالب وآله (٣٣١) مجموع در ويثبات (٥٢٤) عن حب امام
علي بن ابي طالب وآله وولاده (٥٢٤)

﴿ آية چهل نهم ﴾

(سلام علي آل يس) زير (آليس) (١٠١) يثبات او (٢١٢) مجموع
زير ويثبات (٣١٣) ابن ابي طالب علي وآله واولاده (٣١٣)

﴿ آية پنجاهم ﴾

سورة زمر (قل هل يستوي الذين يعلمون والذين لا يعلمون) زير
(الذين يعلمون) (٩٩٧) الامام الامين علي بن ابي طالب والبطين الحسن والحسين
واولاده (٩٩٧) يثبات او (٤٥٤) العالي علي بن ابي طالب وآله واولاده (٤٥٤)
مجموع زير ويثبات (١٤٥١) الامام الموحدين وسيد المومنين المصطفى علي بن
ابي طالب والبطين الحسن والحسين واولاده (١٤٥١) (ايضا) علي والحسين
وعلي ومحمد وصادق وموسى وعلي ومحمد وعلي والحسن وهادي والي (١٤٥١)
﴿ آية پنجاه يكم ﴾

(والذي جاء بالصدق وصدق به اولئك هم المتقون) زير (الذي جاء
بالصدق) (٩٧٣) السيد الزكي الصادق لابين محمد رسول الله (٩٧٣) يثبات او
(٧٢٢) الامين العدل محمد رسول الله (٧٢٢) مجموع زير ويثبات (١٦٩٥)
الحسين الهادي الميمون الي الهادي محمد (١٦٩٥) زير صدق (١٩٣) زكي والي
علي (١٩٤) يثبات او (١١٧) مجموع زير ويثبات (٣١١) امام العظيم علي (٣١١)
﴿ آية پنجاه دوم ﴾

سورة نور (قل لا اسئلكم عليه اجرا الا المودة في القربى) زير
الا المودة في القربى (٥٥١) امام ولي علي بن ابي طالب وبالي الائمة (٥٥١)
شدت (لا المودة في القربى) (٧٢٧) الامام العالم الحسن علي بن ابي طالب وآله
واولاده (٧٢٧) مجموع زير ويثبات (١٢٨٨) زكي الصدق بالعق
علي بن ابي طالب واطمحه والحسن والحسين واولاد الحسين (١٢٨٨)

آیه پنجاه و ششم

سورة ق (وجاءت كل نفس معها سائق وشهيد) زبر (سابق) (١٧١)
 هادي حابي محمد (١٧١) يثبات او (٢٥٢) الطيف محمد (٢٥٢)
 مجموع زبر و يثبات (٣٢٣) داعي المظلوم محمد نبي الله (٣٢٣) زبر (شهيد)
 (٣١٩) الوكيل على ولي الله (٣١٩) يثبات (شهيد) (٩٣) هو ولي الله
 (٩٣) مجموع زبر و يثبات (٤١٢) وصي نبي ومولاه على (٤١٢)
 آیه پنجاه و چهارم

(القيام في جهنم كل كفار عنيد) زبر (الف) [١٣٢] سي واهب و ولي و هب
 (١٣٢) يثبات (الف) (٣٣٣) الحبيب محمد و ولي الله على [٣٣٣] مجموع
 زبر و يثبات [٤٨٥] الصادق محمد و لهادي على (٤٨٥)
 آیه پنجاه و پنجم

(ان في ذلك لذكرى لمن كان له قلب او لم يسمعه و هو شهيد) زبر (دلت)
 (٧٥٠) عمل اکرم الاوليا على من ابي طالب (٧٥٠) يثبات (دلت) (١٥٣)
 مجموع زبر و يثبات (٩٠٣) عمل اکرم الاوصياء بالعق على ولي الله (٩٠٣)
 آیه پنجاه و ششم

سورة نازعات (كانوا قليلا من اهل ما يهيمون و بالاسفار هم يستعجلون)
 زبر (هم يستعجلون) (١٨٥١) وصي حبيب رسول الله القاهر على ولي الله
 و طائفة و السعدي لاس الحس و الحسن (١٨٥١) يثبات و (٢٣٨) مولاهي و آله
 (٢٣٨) مجموع زبر و يثبات (٢٠٨٩) وصي و حبيب رسول الله على من ابي
 طالب و بنت نبي الله فاطمة و البطين الامامين الحسن و الحسين (٢٠٨٩)
 آیه پنجاه و هفتم

سورة النجم (والبهم اذا هوا) زبر (لحم) (١٢٤) وحه على (١٢٤) (نم)

آل محمد [١٢٤] يثبات و اللحم (٣١٤) على من ابي طالب و آله و اولاده (٣١٤)
 آیه پنجاه و هشتم

(فباي آلاء ربك تتمازى) زبر (آلاء) (٣٣) يثبات او (٣٧١)
 مجموع (٤٠٤) الهادي العادل على من ابي طالب (٣٠٣)
 آیه پنجاه و نهم

سورة الرحمن (مرح البحرين يثقيان بينهما برزخ لا يبغيان فباي آلاء
 و بكمات تكذبان يخرج منهما اللؤلؤ و المرجان) زبر (البحرين) (٣٠١)
 حبيب واهب و اجد على و طائفة (٣٠١) يثبات (البحرين) (٢١١) على ابن
 (٢١١) مجموع زبر و يثبات (٥١٢) زكي المولى على من ابي طالب و طائفة
 (٥١٢) زبر (مرزح) (٨٠٩) يثبات او (٤) مجموع زبر و يثبات (٨١٣)
 راحم المماكين محمد المصطفى (٨١٣) زبر (اللؤلؤ و المرجان) (٣٣٤)
 يثبات او (٦٧٢) مجموع زبر و يثبات (١١٠٦) الامامين الهامين الكاظمين
 ابي محمد الحسن و ابي عبد الله الحسين (١١٠٦)
 آیه شصت و نهم

سورة واقعه (و السابقون السابقون اولئك المقربون) زبر (السابقون السابقون)
 (٥٠٠) يثبات او (٩٣٢) مجموع زبر و يثبات (١٤٣٢) هاديل و خريز
 و حبيب التحار و على من ابي طالب (١٤٣٢)
 آیه شصت و يكم

(و اصحاب اليمين ما اصحاب اليمين) زبر يمين (١١٠) على (١١٠)
 يثبات (يمين) (١٠٨) و آل بس (١٠٨)
 آیه شصت و دوم

سورة حدر (والذين آمنوا بالله و رسوله اولئك هم الصديقون) زبر

(المصدق) (٢٣٥) سيدنا علي (٢٣٥) يقاتل او (٢٦٩) امام الولي علي (٢٦٩)
مجموع زبر و يقاتل (٥٠٤) السيد الرضا الحميد علي بن ابي طالب (٥٠٤)
﴿ آية شصت ستم ﴾

سورة حشر (و يؤثرون على اسمهم و او كان بهم خصاصة و من يوق شح نفسه
فاؤثرك هم المفلحون) زبر (المفلحون) (٢٣٥) الحميد علي وآله
(٢٣٥) يقاتل او (٣٠٧) هادي و جدد علي بن ابي طالب وآله (٣٠٧)
مجموع زبر و يقاتل (٥٥٢) الامام المظفر علي بن ابي طالب وآله (٥٥٢)
﴿ آية شصت چهارم ﴾

سورة صف (ان الله يحب الذين يقاتلون في سبيله صفا كما هم ينيان مرصوص)
زبر (الذين يقاتلون) [١٣٨٨] يقاتل او [٥٣٦] مجموع زبر و يقاتل
(١٩٢٤) الصادق علي بن ابي طالب و حوزة و عبيدة من حارث و مقداد اسود
وسهل حبيب و ابي دحاه (١٩٢٤)

﴿ آية شصت پنجم ﴾

سورة تحریم (وان نظاهرا عليه فان الله هو موله و جبريل
وصالح المؤمنين واللائكة بعد ذلك ظهير) زبر (صالح المؤمنين)
(٣٥٦) الامام المصطفى علي (٣٥٦) يقاتل او [٥٣٨] دعوى الصادق علي بن ابي طالب
(٥٢٨) مجموع زبر و يقاتل [٨٨٤] الامام المصطفى و مولاه و علي بن ابي طالب [١٨٤]
﴿ آية شصت ششم ﴾

سورة جن (ومن يرض عن ذكره يسله عذابا صعبا) زبر (دكر)
(٩٢٠) ولائستيد و قول لاوصياء علي بن ابي طالب (٩٢٠) ولائ و لاوب
و سيد و كافي الامور علي بن ابي طالب (٩٢٠) دكر (١١٣) مجموع زبر
و يقاتل (١٠٣٢) ولائستيد لاوصياء و حاكم الاوليا علي بن ابي طالب (١٠٣٢)

﴿ آية شصت هفتم ﴾

سورة نزل (اذدبك يعلم انك تقوم اذنى من ثلثي الليل ونصفه وثله
وطايف من الذين معك) زبر (طائفه) (١٥٠) يقاتل او (١١٤)
مجموع زبر و يقاتل (٢١٩) هادي و ابي طالب و آله (٢١٩)
﴿ آية شصت هشتم ﴾

سورة دهر (هل آتى على الانسان حين من الدهر) زبر (الاسان) (١٩٣)
علي حميد (١٩٣) يقاتل او [٥٣٣] الصادق الحاكم علي بن ابي طالب (٥٣٣)
مجموع زبر و يقاتل (٧٣٦) وصى رسول الله الهادي علي بن ابي طالب (٧٣٦)
﴿ آية شصت نهم ﴾

(ان الارار يشربون من كأس) زبر (الارار) (٣٣٥) الوالي علي و خطمه
و ابنتهما (٤٣٥) يقاتل او (٣٧٤) ولي الله الوهاب و خطمه و ابنتهما (٣٧٤)
مجموع زبر و يقاتل (٨٠٩) مولاه علي و اهل بيته (٨٠٩)
﴿ آية هتادم ﴾

سورة عم (عم يتساءلون من النبأ العظيم الذي هم فيه مختلفون)
زبر (النبأ العظيم) (١١٣٥) هو و لاه نام بطاهر لاس علي بن ابي طالب (١١٣٥)
(ايضا) و لاه امام الموفق الامين علي بن ابي طالب (١١٣٥) (ايضا) هو حلافة
ولي الله و ولي حقه علي بن ابي طالب (١١٣٥) يقاتل (النبأ العظيم)
(٥٨١) و لاه ولي حقه (٥٨١) (٥٨١) و لاه ولي المجدد (٥٨١)
مجموع زبر و يقاتل (١٧١٦) حلافة امام دهر علي بن ابي طالب (١٧١٦)
﴿ آية هتادىكم ﴾

سورة مطففين (ان الذين اجروا كانوا من الذين آمنوا يضحكون)
(من الذين آمنوا) (٩٧٩) امام جامع علي بن ابي طالب و آله و امامهم (٩٧٩)

بنات او (٦٧٨) وحق العالم الحق علی بن ابی طالب و آله (٦٧٨) مجموع زیر و بنات
(١٦٥٧) الحاکم الحبيب علی بن ابی طالب و آله و اولاده و خواصه و تابعه (١٦٥٧)
﴿ آیه هفتاد و دوم ﴾

سورة بنه (ان الذين آمنوا وعملوا الصالحات اولئك هم خير البريه)
زیر (خير البريه) (١٠٥٨) يتدنا الوكيل علی بن ابی طالب و آله و اولاده
و تابعهم (١٠٥٨) بنات (خير البريه) (١٥٨) علی باحد (١٥٨) مجموع زیر
و بنات (١٢١٦) الولی الوالی علی بن ابی طالب و اولاده و حبشه (١٢١٦)
﴿ آیه هفتاد و سیم ﴾

سورة محمد (لکم دینکم ولی دین) در (ولی دین) (١١٠) علی (١١٠)
بنات (ولی دین) (١٣٧) حبشه علی (١٣٧) (و لا تله اکثر) فطرها
و اعتسها لایا تسر العالم المؤمن النقی و تعمر الجاهل المنافق النقی و قد
قال له سلی (و نلت الامثال بضربها لناس و ما یقلها الا العالمون)
﴿ خاتمه ﴾

در تطایق اعداد الله با کلمات رذیه جرتیب محمود و بدان روقه حضرت علیم صیر
خبیر و عالم بسالی الصیر میداند که مقصود از این تطایق قدح هیچ مسلمی را غرض
ندارم بلکه عیون و بطق آنست که دم و محرم هیچ کافر را هم روا داند مگر آنکه
بدلائل واضح و براهین متصحه حقوق اهل بیت رسالت را عصب گرداند و بر آل
عصمت حور و شمش سود مالد (اللهم انزل ظالم ظلم حق محمد و آل محمد و اخر
تابعه) چون یزدید و همکاران او چنانچه در نجومز لمن براو گفته اند
(واللن علی یزدی فی الشرع یجوز) و الا عن یحوی حسنات و یجوز
قد صبح لندی انه متعل و الحسن مضاعفا و ذاک مهموز
(محموز) ای یسوز (متعل) ای مثل العین (مهموز) ای محبوب اگر چه از خود

نیز لمکوم قفسیر مطبوره بطرق مذکوره مفرخند علاوه هر یک از
مترخین مخرجین را و رب و شکی باشد در اظهار حق کمال حضور را دارم
(میگویم و می آیم از عهده برون) بالکده در این دوره هیچ مار و عین ندارم
هوالمین لمن لا یسین له و ناصر من لا ناصر له و علی این خاتمه در سه عهده است



در آیات قرآنی و تویحات و فایده است و آن محتوی بر (١٣) آیه است
﴿ آیه اولی ﴾

در سورة ام الكتاب (غیر المفضوب علیهم و لا العالین) در (مضوب)
(١٨٧٩) بنات المفضوب (٢٧٤) مجموع در و بنات (٢١٥٣) ملان لنین
و ملان بن ملان و ملان و محبتهم (٢١٥٣) زیر (العالین) (٩٢٢) بنات (العالین)
(٣٦٤) مجموع زیر و بنات (١٢٨٦) ملان و ملان و ملان و ملان (١٢٨٦)
﴿ آیه دوم ﴾

سورة بقره (قال لا ینال عهدی الضالین) زیر (الضالین) (١٠٦٢) بنات
الضالین (٤١٠) مجموع در و بنات (١٣٧٢) ملان و ملان و ملان و ملان (١٤٧٢)
﴿ آیه سیم ﴾

(یرید الله بکم الیسر و لا یرید بکم العسر) در (عسر) (٣٣٠) سبیر و سبیر (٣٣٠)
﴿ آیه چهارم ﴾

(یسئلونک عن الخمر و الیسر قل فیهما اثم کبیر) در (یسر) (٣١٠)
احراق (٣١٠) ملان (٣١٠)

﴿ آیه پنجم ﴾

(ان الله ینهی عن الخمر و الیسر) زیر (یسر) (٣١٠) سبیر (٣١٠)
ملان (٣١٠) بنات (ملان) (١١١) اثم (١١١) سک یسبیا (١١١)

آية ششم

(ان الله ينهى عن الميثاء والمنكر) زير (سكر) (٣١٠) كبر (٣١٠)
حب كبر (٣١٠) انهم (٣١٠) زير (٣١٠) حب كبر (٣١٠) فلان (٣١٠)

آية هفتم

سورة آل عمران (وما الذين في قلوبهم زيغ فيستمعون ما نسا به منه انما عاقتة
وابقاء تاويله) زير (في قلوبهم زيغ) (١٢٩٠) يقات او (٢٣٥) مجموع زير
ون (١٥٣٥) فلان ليس وعلان وعلان وعلان وعلان (١٥٣٥)

آية هشتم

سورة مائدة (يا ايها الرسول بلغ ما انزل اليك من ربك وان لم تعمل فما
بلغت رسالتك والله يعصمك من الناس ان الله لا يهدي القوم الكافرين)
زير (القوم الكافرين) (٥٦٩) يقات او (٦٩٠) مجموع زير وقات
(١٢٥٩) هم فلان وعلان وعلان (١٢٥٩)

آية نهم

سورة يوسف (فمن يهدي الى الحق احق ان يتبع امن لا يهدي الا ان يهدي
فما لكم كيف تحكمون) زير (امن لا يهدي) (١٥١) يقات او (٣٠١)
مجموع زير وقات (٥٥٢) اي علقان جاهل مطرود (٥٥٢)

آية دهم

سورة المائدة (امن كان مؤمنا كمن كان فاسقا لا يستون) زير
(من كان فاسقا) (٣٠٣) يقات او (٧١٥) مجموع زير وقات (١١١٨)
دد الرحمن التحس الكافر المطرود وليد (١١١٨)

آية يازدهم

سورة زمر (قل هل يستوى الذين يعلمون والذين لا يعلمون)

زير (والذين لا يعلمون) (١٠٣٤) يقات او (٦١٢) مجموع زير وقات
(١٦٤٦) سر بدان فلان وعلان وعلان لك (١٦٤٦)

آية دوازدهم

سورة مطففين (ان الذين اجرموا كانوا من الذين آمنوا يضحكون)
زير (الذين اجرموا) (١٠٣٤) يقات او (٥٦٢) مجموع زير وقات (١٦٠٩)
كس منه عنهم وعلى اله واسمهم له الله وليس الاعين (١٦٠٩) (احسا)
سورة مطففين وعلى اله واسمهم له الله (١٦٠٩)

آية سيزدهم

سورة مدثر (من جاء عدو السبئية فكبت وجوههم النار) زير (السبئية) (١٠٧) يقات و
(٣٢٢) مجموع زير وقات (٤٣٠) عداوة حبب حبب اله على ولي اله واهل (٤٣٠)

آية ختم الخاتمه

(انا من المجرمين مستقنون)

زير اين آيه (١٢٠٢) سر (١٢٠٢) فلان وعلان وعلان (١٢٠٢)
عقبه نايه

فلان وعلان وعلان در حاله رفع (١٢٠٢) صفات المستع (١٢٠٢) اضرار (١٢٠٢)
صاحب الطيبان (١٢٠٢) علق طلب (١٢٠٢) حامل اسم الممكنات (١٢٠٢)
مرض السان (١٢٠٢) فلان وعلان وعلان در حاله ص (١١٩٧) اهل علق (١١٩٧)
فلان وعلان وعلان در حاله جر (١٢٠٦) عادم النور عادم النور (١٢٠٦)
(عادم النور موت جهنم جمع كنى هر سه راجع اسم كند اين جمع بيان)
(ايضا) در حاله جري م الي آخر فلان وعلان وعلان (١٢٠٥) باب ضرر (١٢٠٥)

عقبه نايه

فلان حاله رفع (٢٣١) كراهة (٢٣١) حب عصيان (٢٣١) طالب عباد (٢٣١)

ملاک علی (٢٣١) دردی دوا (٢٣١) اوج عصیان (٢٣١) غای (٢٣١) قابل جهنم
 (٢٣١) قابل جهنم (٢٣١) فلان حاله نصیب (٢٢٦) حب المفسد (٢٢٦) اوج المفسد
 (٢٢٦) کل المفسد (٢٢٦) اول مفسده (٢٢٦) کور (٢٢٦) یقات او (٣٠٤)
 ملعون جهنمی (٣٠٤) وجه فلان حاله جری (٢٤٩) حرام (٢٤٩) فلان (٣١٠)
 (اصل مفسده) (٣١٠) (لایة الادب) (٣١٠) علة لفسده (٣١٠) (فلان ابن فلان)
 (٩٢٥) خلدی نار (٩٢٥) (حب فلان) (٣٢٠) اذکار امکان (٣٢٠) علة نصیب (٣٢٠)
 (حب فلان) (٣٦٠) سقر (٣٦٠) (محیی فلان) (٣٧٠) سقری (٣٧٠) (اهل ولاء
 فلان) (٣٨٤) اصحاب النار (٣٨٤) (فلان) (٦٦١) خاین (٦٦١) جلوة دوزخ
 (٦٦١) شجره زقوم (٦٦١) (حب فلان فلان فلان) (١٢١٥) طعام نصیب
 (١٢١٥) (ومالم ذکر ما زید) وقد فرغت من تصویدها و تحریرها
 و اما الاخر الجانی الفانی یوسف بن محمد بن یوسف النجفی الجیلانی
 مع وفور العلائق و کزور التوائی فالما مول من انصف
 بالانصاف طبعته و عدل عن الاعتصاف سجدته ان یذرنی
 فی تلك و یسفر عنی و یستر علی ما صنع و ظهر و سطع
 و یر له من سهو او قس او طغیان او قصور او قصور
 او قصان فی لفظ او معنی او بیان و هو العاصم
 عن الخطاء فی العنوان فی خامس عشر
 من شهر الله الاعظم من سنة
 الف و ثمانمائة و خمسة
 و عشرين سنة
 (١٣٢٥)
 لختها فی
 جیلان
 ١٣٣٠
 O

رشت مطبعه عروقه الوتقی بطبع رسید

غلط نامه

غلط _____ ط صحیح

صفحه	سطر	کلمه	کلمه	مؤلفات و مصنفات مصنف دام ظلّه
٢	٧	بر تو	بر تو	(فارسی)
٢	٩	بر یر	بر یر	
٢	١٧	باید	باید	مختصر المجلد در حساب جمل
٢	١٨	بشا	بشا	اسول عقاید دینیه
٣	١٠	طرق	طریق	اسول عقاید با تقویم شرعی
٣	٥	للقران	(القران)	لا یحیة اسلامیة بر بایته و بیاتیه
٣	٧	لغواص	للغواص	میقن المتبحر در حرمة شطرنج
٥	٣	کمر	کمر	هدایة المجتاز در معنی و الفاظ
٥	٦	مجل	مجل	تذکره السالکین در سیر و سلوک عارفین
٥	١٢	لبین	لبین	کشف المصطور در رموز ظهور
٥	١١	رجلا	رجلا	بحر السرائر در خنوم و طلاس
٥	١٣	مطلب	مطلب	دیوان در اشعار
٦	١٥	بنیات	بنیات	رحلة الایران در سیر بلدان
٦	١٧	البنیات	البنیات	(عربی)
٨	١	تطابق	تطابق	حل المفرد فی علم المقود
٨	١١	عق	عاق	تذکره المؤمنین فی فضائل العالمین
١٢	٩	جمعیها	جمعیها	فوائد الاعجاز فی التعمیه و الالغاز
١٣	١٨	عوس	عواس	ربیع الأبرار فیما یضحک الاخیار
١٣	١٨	مرفقه	مرفقه	رسالة قریبه رسالة هندیه
١٤	٢٢	متباینه	ومتباینه	رسالة فی الصرف رسالة فی النحو
٢١	١٥	بشتی	بشتی	حاشیه علی الحاشیه فی المنطق
٢٢	٢٠	فارش	فارش	طریق الوصول الی علم الاسول
٢٣	٢٨	الحالات	الحالات	کتاب الطهارة فی الفقه
٢٥	٢٦	یه	یه	کتاب الارث فی الفقه
٢٦	١٨	زل	زل	حرمة قتل المؤمن فی الفقه
٢٦	١٨	واین	واین	کنکول ٣ مجلد
٢٨	٥	والحسن	والحسن	
٥٦	١٢	افعال	افعال	



کتابخانه آیت الله بروجردی (ره)



5 5 3 0 8 0 3 3 1

کتابخانه آیت الله بروجردی (ره)



5 5 3 0 8 0 3 3 1